



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

انتظار ۹



پژوهشی دربارهٔ جزیرهٔ خُصرا

مجموعهٔ آثار کهن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار ۹: جزیره خضراء

نویسنده:

مجتبی کلباسی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	انتظار ۹: جزیره خضراء
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۱۹	پیش درآمد
۲۳	بخش اول
۲۳	اشاره
۲۴	الف. داستان اول
۲۴	اشاره
۲۹	۱. بررسی سند داستان
۳۰	۲. مجهول بودن راوی و استنساخ کننده نسخه مکتوب داستان
۳۲	۳. بررسی شخصیت های داستان
۳۳	۴. شخصیت فضل بن یحیی علی طیبی کوفی
۳۳	ب. بررسی متن داستان
۳۳	۱. دلالت قصه بر تحریف قرآن
۳۸	۲. موقعیت تاریخی داستان
۳۸	۳. ویژگی های تاریخی قرن ششم قمری
۳۹	۴. دریای سفید و جزیره خضراء
۴۰	۵. تاریخچه ای از جزیره خضراء
۴۴	۶. دروازه جزیره خضراء
۴۵	۷. قاهره و الأزهر
۴۶	۸. جزایر رافضیان (شیعیان)
۴۶	۹. حکومت موحدان

- ۴۷ ۱۰. افکار و عقاید محمد بن تومرت
- ۴۸ ج. نقش شیعه در سرزمین های مغرب اسلامی
- ۴۸ ۱. تاریخچه نهضت های شیعی در بلاد مغرب (شمال آفریقا و اندلس)
- ۴۹ ۲. موقعیت جغرافیایی جزیره خضراء، در کلام ابن خلدون
- ۵۲ ۳. نیروی دریایی مسلمانان در مدیترانه
- ۵۴ ۴. سکه هایی با نام «مهدی»
- ۵۴ ۵. مهدویت در مغرب اسلامی و اندلس
- ۵۴ اشاره
- ۵۷ مثلث برمودا
- ۵۸ ۶. موقعیت جغرافیایی برمودا (Bermuda)
- ۵۸ ۷. مثلث برمودا
- ۵۹ بخش دوم
- ۵۹ اشاره
- ۶۰ الف. وضعیت کشورهای منطقه مثلث برمودا
- ۶۰ اشاره
- ۶۰ ۱. تاریخچه کوبا
- ۶۲ ۲. هائیتی (Haiti)
- ۶۳ ۳. باهاما (Bahamas)
- ۶۳ ۴. جامائیکا و دومینیکن
- ۶۴ ب. زمینه های سیاسی اجتماعی افسانه سازی
- ۶۴ ۱. جنگ سرد
- ۶۵ ۲. افسانه سازی های استعمارگران
- ۶۵ ۳. بررسی مدارک موجود
- ۶۶ ۴. مثلث برمودا و آب و هوای آن
- ۶۷ ۵. نتیجه گیری
- ۶۸ ۶. مناطق خطر خیز دیگر جهان

۶۸	۷. ترافیک سنگین هوایی و دریایی منطقه برمودا
۶۸	۸. تبلیغات استعماری
۶۹	۹. گزارش های نظامی
۷۱	ج. وضعیت کنونی جزایر برمودا
۷۱	اشاره
۷۱	۱. وضعیت اقتصادی
۷۱	۲. دریاوردی
۷۲	۳. موقعیت جزیره خضراء
۷۳	۴. خدشه بر چهره مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷۳	۵. بنای برباد و افترا بر خداوند
۷۵	بخش سوم
۷۵	اشاره
۷۶	داستان دوم جزیره خضراء
۸۳	الف. بررسی سند داستان
۸۳	۱. بررسی کتاب تعازی
۸۵	۲. بررسی سند داستان
۸۶	ب. بررسی محتوا و تاریخ داستان
۸۶	اشاره
۸۸	۱. فشار بر شیعه در قرن پنجم و ششم هجری
۸۹	۲. دارالسلام و محله ظفریه
۹۰	۳. کرامت یا کشف و شهود
۹۰	۴. چه کسانی توفیق زیارت جزایر را داشته اند؟
۹۱	۵. شهرهای ناشناخته
۹۱	۶. تناقض داستان ها
۹۱	۷. احکام ناشناخته
۹۲	نتیجه مباحث گذشته

انتظار ۹: جزیره خضراء

مشخصات کتاب

سرشناسه: کلباسی، مجتبی

عنوان و نام پدیدآور: جزیره خضراء/مؤلف مجتبی کلباسی.

مشخصات نشر: تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۸۴ص؛ ۵/۹ × ۲۱ س م.

فروست: انتظار؛ ۹.

شابک: ۴۵۰۰ ریال؛ ۵۵۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۳۷-۸:

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۸۲-۸۴.

موضوع: محمدبن حسن(ع)، ۲۸۴ - ۳۵۹ق.

موضوع: جزیره خضراء

شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

رده بندی کنگره: ۴/۲۲۴/۴/ک/۷۷ ج ۴ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۱۸۸۵۸

ص: ۱

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: ۳

انتظار «۹»

جزیره خضرا

مجتبی کلباسی

ص: ۴

جزیره خضرا (انتظار ۹)

مؤلف / مجتبی کلباسی

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ / ششم، پاییز ۹۰

شمارگان / پنج هزار

صفحه آرا / رضا فریدی

لیتوگرافی: ترام اسکندر ۷۸۳۰۰۵۸

بها / ۱۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ م تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ م فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف م تلفن: ۴-۱-۸۸۹۹۸۶۰۱ م فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹

m

ص. پ: ۱۵۶۵۵-۳۵۵

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۶۳-۷

فهرست مطالب

پیش درآمد

بخش اول

الف. داستان اول

۱. بررسی سند داستان

۲. مجهول بودن راوی و استنساخ کننده نسخه مکتوب داستان

۳. بررسی شخصیت های داستان

۴. شخصیت فضل بن یحیی علی طیبی کوفی

ب. بررسی متن داستان

۲. موقعیت تاریخی داستان

۳. ویژگی های تاریخی قرن ششم قمری

۴. دریای سفید و جزیره خضراء

۵. تاریخچه ای از جزیره خضراء

۶. دروازه جزیره خضراء

۷. قاهره و الأزهر

۸. جزایر رافضیان (شیعیان)

۹. حکومت موحدان

۱۰. افکار و عقاید محمد بن تومرت

ح. نقش شیعه در سرزمین های مغرب اسلامی

۱. تاریخچه نهضت های شیعی در بلاد مغرب (شمال آفریقا و اندلس)

۲. موقعیت جغرافیایی جزیره خضراء، در کلام ابن خلدون

۳. نیروی دریایی مسلمانان در مدیترانه

۴. سگه هایی با نام «مهدی»

۵. مهدویت در مغرب اسلامی و اندلس

مثلاً برمودا

۶. موقعیت جغرافیایی برمودا (Bermuda)

۷. مثلاً برمودا

بخش دوم

الف. وضعیت کشورهای منطقه مثلاً برمودا

۱. تاریخچه کوبا

۲. هائیتی (Haiti)

۳. باهاما (Bahamas)

۴. جامائیکا و دومینیکن

ب. زمینه های سیاسی اجتماعی افسانه سازی

۱. جنگ سرد

۲. افسانه سازی های استعمارگران

۳. بررسی مدارک موجود

۴. مثلث برمودا و آب و هوای آن

۵. نتیجه گیری

۶. مناطق خطر خیز دیگر جهان

۷. ترافیک سنگین هوایی و دریایی منطقه برمودا

۸. تبلیغات استعماری

۹. گزارش های نظامی

ج. وضعیت کنونی جزایر برمودا

۱. وضعیت اقتصادی

۲. دریانوردی

۳. موقعیت جزیره خضراء

۴. خدشه بر چهره مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵. بنای برباد و افترا بر خداوند

بخش سوم

داستان دوم جزیره خضرا

الف. بررسی سند داستان

۱. بررسی کتاب تعازی

۲. بررسی سند داستان

ب. بررسی محتوا و تاریخ داستان

۱. فشار بر شیعه در قرن پنجم و ششم هجری

۲. دارالسلام و محله ظفریه

۳. کرامت یا کشف و شهود

۴. چه کسانی توفیق زیارت جزایر را داشته اند؟

۵. شهرهای ناشناخته

۶. تناقض داستان‌ها

۷. احکام ناشناخته

نتیجه مباحث گذشته

پیش در آمد

تاریخ جهان اسلام و عقاید و افکاری که در بستر آن ظهور و بروز کرده، اقیانوسی متلاطم و بی کران و عرصه ای بسیار گسترده است. حرکت در امواج متلاطم و گاه ظلمانی این اقیانوس، نیازمند وسیله ای مطمئن و راهنمایی دریادیده است. در غیر این صورت، در شب تاریک دریا و امواج سهمگین آن، نمی توان راهی به ساحل نجات یافت.

عقاید، اخبار و احادیثی که در بستر این فرهنگ، نیازمند بررسی و نقد هستند، کم نیستند. فقهای اسلام، از عصر غیبت تاکنون سعی بر حراست اخبار و احادیث از نفوذ خطاها، تحریف ها و انحرافات داشته اند. اگر زحمات آن بزرگواران نبود، سرنوشت اسلام و تشیع دستخوش مخاطرات عظیم فکری می گشت و راه کشف حقیقت بر همگان مسدود می شد.

از داستان هایی که تحت تأثیر حوادث زمان خود، پدید آمده و پس از مقداری تحریف، تطبیقی بی جا درباره آن صورت گرفته، و در برخی کتب

روایی شیعه نفوذ کرده است، داستانی است به نام «جزیره خضراء». از آن جا که در دو دهه گذشته با قلم فرسایی برخی افراد بی اطلاع از تاریخ، این داستان منتشر شده و به علاوه، در تکلفی ناشیانه، آن را بر مثلث برمودا تطبیق کرده اند، لازم است درباره این واقعه، کنکاش بیشتری صورت گیرد تا اذهان ارادتمندان به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از این گونه خطاها پیراسته شود. (۱)

مباحثی که در این بررسی بدان پرداخته خواهد شد، عبارتند از:

خلاصه داستان جزیره خضرا

داستان اول

بررسی سند داستان

بررسی متن داستان

بررسی تاریخی داستان

خلاصه مباحث

داستان دوم

بررسی سند داستان

بررسی متن داستان

بررسی تاریخ داستان

ارتباط دو داستان

نتیجه و خلاصه مباحث

خلاصه داستان

۱- نگارنده در اوایل دهه ۱۳۶۰ در جزوه ای که برای پاسخ به سؤالات، در برخی مراکز علمی تهیه شده بود، به نقد داستان پرداختم. بحمدالله در سال های بعد، نویسندگان متعددی دست به قلم برده، حقایق را آشکار کردند. ر. ک: جزیره خضراء در ترازوی نقد، علامه جعفر مرتضی عاملی؛ جزیره خضراء، تحریفی در تاریخ شیعه، غلامرضا نظری. از آن جا که دیدگاه

نگارنده در بررسی این موضوعات قدری با نظر نویسندگان این کتاب ها متفاوت بود، پرداختن دوباره به این موضوع را مناسب دانستم.

ص: ۱۱

بخش اول

اشاره

الف. داستان اول

اشاره

مرحوم علامه مجلسی قدس سرّه در بحار الانوار (ج ۵۲، ص ۱۵۹) می نویسند:

رساله ای یافتم مشهور به داستان جزیره خضراء... و چون آن را در کتاب های روایی ندیدم، عین آن را در فصل جداگانه ای آوردم.

یابنده متن، آن را چنین نقل می کند:

من (فضل بن یحیی کوفی) در سال ۶۹۹ ق؛ در شهر کربلا از دو نفر، داستانی شنیدم. آن ها داستان را، از زین الدین علی بن فاضل مازندرانی نقل می کردند. آن داستان، به جزیره خضراء، در دریای سفید مربوط بود. مشتاق شدم داستان را از خود علی بن فاضل بشنوم. به همین دلیل به حلّه رفتم و در خانه سید فخرالدین، علی بن فاضل را ملاقات کرده، اصل داستان را جویا شدم. او، داستان را در حضور عده ای از دانشمندان حلّه و نواحی آن، چنین بازگو کرد:

سال ها در دمشق، نزد شیخ عبدالرحیم حنفی و شیخ زین الدین علی مغربی اندلسی تحصیل

می کردم. روزی شیخ مغربی عزم سفر به مصر کرد. من و عده ای از شاگردان با او همراه شدیم. به قاهره رسیدیم. استاد مدتی در الازهر به تدریس پرداخت، تا این که نامه ای از اندلس آمد که خبر از بیماری پدر او می داد. استاد عزم اندلس کرد. من و برخی از شاگردان با او همراه شدیم. به اولین قریه اندلس که رسیدیم، من بیمار شدم. استاد، به ناچار مرا به خطیب آن قریه سپرد و به سفر ادامه داد.

سه روز بیمار بودم، پس از آن، روزی اطراف ده قدم می زدم که کاروانی از طرف کوه های ساحل دریای غربی وارد شدند و با خود پشم و روغن و کالاهای دیگر داشتند. پرسیدم: «از کجا می آید؟» گفتند: «از دهی در سرزمین بربرها که نزدیک جزایر رافضیان است».

هنگامی که نام رافضیان را شنیدم، مشتاق زیارت آنان شدم. تا محل آنان، ۲۵ روز راه بود که دو روز، بدون آب و آبادی و بقیه آباد بود. حرکت کردم و به سرزمین آباد رسیدم. به جزیره ای رسیدم با دیوارهای بلند و برج های مستحکم که بر ساحل دریا قرار داشت. مردم آن جزیره، شیعه بودند و اذان و نماز آن ها بر هیأت شیعیان بود.

آنان از من پذیرایی کردند. پرسیدم: «غذای شما از کجا تأمین می شود؟» گفتند: از جزیره خضراء در دریای سفید که جزایر فرزندان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و سالی دو بار، برای ما غذا می آورند».

منتظر شدم تا کاروان کشتی ها از جزیره خضراء رسید. فرمانده آن، پیرمردی بود که مرا می شناخت و اسم من و پدرم را نیز می دانست. او مرا با خود به جزیره خضراء برد.

شانزده روز که گذشت، آب سفیدی در اطراف کشتی دیدم و علت آن را پرسیدم. شیخ گفت: «این دریای سفید است و آن، جزیره خضراء. این آب های سفید، اطراف جزیره را گرفته است و هرگاه کشتی دشمنان ما وارد آن شود، غرق می گردد». وارد جزیره شدیم. شهر دارای قلعه ها و برج های زیاد و هفت حصار بود. خانه های آن از سنگ مرمر روشن بود....

در مسجد جزیره با سید شمس الدین محمد که عالم آن جزیره بود، ملاقات کردم. او مرا در مسجد جای داد. آنان نماز جمعه می خواندند [و آن را واجب می دانستند.] از سید شمس الدین پرسیدم: «آیا امام حاضر است؟» گفت: «نه، ولی من نایب خاص او هستم». به او گفتم: «امام را دیده ای؟»

گفت: نه، ولی پدرم، صدای او را شنیده و جدم، او را دیده است».

سید، مرا به اطراف برد. آن جا کوهی مرتفع بود که قُبّه ای در آن وجود داشت و دو خادم، آن جا بودند. سید گفت: من هر صبح جمعه آن جا می روم و امام زمان را زیارت می کنم و آن جا ورقه ای می یابم که مسایل مورد نیاز، در آن نوشته شده است.

من نیز به آن کوه رفتم و خادمان قُبّه از من پذیرایی کردند... درباره دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آنان پرسیدم؛ گفتند: «غیر ممکن است».

درباره سید شمس الدین از شیخ محمد (که با او به خضراء آمدم) پرسیدم. گفت: «او از فرزندانِ فرزندانِ امام است و بین او و امام، پنج واسطه است».

با سید شمس الدین، گفت و گوی بسیار کردم و قرآن را نزد او خواندم. از او درباره ارتباط آیات و این که برخی آیات، با قبل، بی ارتباط هستند، پرسیدم. پاسخ داد: «... مسلمانان پس از رسول خدا و به دستور خلفا، قرآن را جمع آوری کردند؛ از همین رو، آیاتی را که در قدح و مذمت خلفا بود، از آن، حذف کردند؛ به همین سبب، آیات را نامربوط

می بینی؛ ولی قرآن علی علیه السلام که نزد صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از هر نقصی مبرا است و همه چیز در آن آمده است».

در جمعه دومی که آن جا بودم، پس از نماز، سر و صدای بسیار زیادی از بیرون مسجد، بلند شد. پرسیدم: «این صداها چیست؟» سید، پاسخ داد: «فرماندهان ارتش ما، هر دو جمعه میانی ماه، سوار می شوند و منتظر فرج هستند». پس از این که آنان را بیرون مسجد دیدم، سید گفت: «آیا آنان را شمردی؟» گفتم: «نه». گفت: «آنان، سیصد نفرند و سیزده نفر، باقی مانده اند».

از سید پرسیدم: «علمای ما احادیثی [از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف] نقل می کنند که هر کس پس از غیبت، ادعا کند مرا دیده است، دروغ می گوید. حال، چگونه است که برخی از شما، او را می بینید؟»

سید گفت: «درست می گویی؛ ولی این حدیث، به زمانی مربوط است که دشمنان آن حضرت و فرعون های بنی العباس فراوان بودند، اما اکنون که این چنین نیست و سرزمین ما از آنان دور است، دیدار آن حضرت ممکن است».

سید شمس الدین ادعا کرد: «تو نیز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دو بار دیده ای؛ ولی نشناخته ای».

همچنین گفت: «آن حضرت، خمس را بر شیعیان خود، مباح کرده است و هر سال حج می گزارد و پدرانش را در مدینه، عراق و طوس زیارت می کند».

این خلاصه ای از داستان بود. البته کسانی که خواهان اطلاع دقیق تری هستند، می توانند داستان را در بحار الانوار یا منابع دیگر مطالعه کنند.

۱. بررسی سند داستان

از مهم ترین موضوعات در بررسی سند یک خبر، منابعی است که آن خبر را ذکر کرده اند. بدیهی است هر قدر، منابع خبر، به عصر صدور و حدوث آن نزدیک تر باشد، اعتبار بیشتری خواهد داشت.

درباره داستان جزیره خضراء، چنان که در اصل داستان آمده، راوی خبر، آن را در سال ۶۹۹ ق از علی بن فاضل در شهر حلّه شنیده است. آن زمان، حلّه شهری آباد بین بغداد و کوفه بوده است. از آن جا که کوفه و نجف، مرکز حوزه علمی شیعه بوده، خبرهای مهم مربوط که به مسایل عقیدتی، کلامی و فقهی شیعه، بااهمیت تلقی می شده و در آثار و نوشته ها منعکس می گشته است؛ ولی برخلاف اشمال این داستان بر مطالب مهم و مطرح شدن آن در سامرا و حله و طبیعتاً در نجف، در هیچ یک از آثار مکتوب آن زمان (۶۹۹ تا ۱۰۱۹ ق) که به دست ما رسیده، این خبر انعکاس نیافته است.

شهرت این داستان، از آغاز هزاره دوم - به ویژه، زمان علامه مجلسی قدس سرّه و ذکر آن در کتاب بحار الانوار - است. قبل از علامه، قاضی نور الله شوشتری (م ۱۰۱۹ق) این حکایت را در کتاب مجالس المؤمنین آورده است. البته قاضی نورالله ادعا کرده که شهید ثانی، در برخی از امالی خود، این داستان را ذکر کرده است؛ ولی هیچ مدرکی در این باره به دست نمی دهد؛ علاوه بر این که علامه مجلسی قدس سرّه همه آثار شهید را در اختیار داشته است؛^(۱) در عین حال، در آغاز نقل داستان جزیره خضراء می گوید: «این داستان را در کتاب های معتبر ندیدم». بدیهی است اگر علامه مجلسی قدس سرّه این خبر را در کتب شهید دیده بود، آن را در بخش نوادر کتاب ذکر نمی کرد و به جای انتساب آن به شخص مجهول، آن را به شهید مستند می کرد.

۲. مجهول بودن راوی و استنساخ کننده نسخه مکتوب داستان

عالمان و فقیهان اسلام، در پذیرش یک کتاب یا نوشته و انتساب آن به نویسنده، فقط به ادعاها توجه نمی کنند؛ بلکه انتساب کتاب به نویسنده را زمانی معتبر می دانند که آن کتاب از طریق سلسله اجازات برای آنان نقل شده باشد؛ از همین رو، شاگردان یک مؤلف یا راوی، با اجازه از شیخ و

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰.

استاد خود، مطالب را نقل کرده و آنان نیز این اجازه ها را به طبقه پس از خود منتقل می کردند.

در زمان های گذشته و قبل از عصر چاپ، آن چه موجب اعتماد به نسخه های مکتوب خطی می شد، اجازه ای بود که مؤلف، با واسطه یا بدون آن، به افراد شناخته شده می داد. برای نمونه، مرحوم مجلسی قدس سره در مجلدات آخر کتاب بحار الانوار، به ذکر اجازه های خود برای نقل از کتاب ها می پردازد و بدین ترتیب، نقل های خود را مستند می سازد.

ولی نوشته جزیره خضراء اولاً، هیچ ارتباط مستندی با نویسنده آن ندارد و هیچ مدرکی که صحت انتساب نوشته را به علی طیبی نشان دهد، وجود ندارد. ثانیاً، یابنده نسخه و کسی که می گوید: من جزوه را به خط فضل بن علی طیبی کوفی یافتم و آن را استنساخ کردم، شناخته شده نیست، تا بتوان درباره وثاقت یا عدم وثاقت او نظر داد. ثالثاً، یابنده مجهول نوشته فضل بن علی طیبی، معلوم نیست از کجا تشخیص داده نوشته مزبور، خط فضل بن علی است. ناچار باید گفت: چون در خود متن، نویسنده به این مطلب اقرار کرده، یابنده، نسخه آن را به همان اسم نسبت داده است؛ ولی باید توجه داشت چنین انتساب هایی، ارزش علمی ندارد و چنان که قبلاً نیز گفته شد، نوشته ای را می توان مستند قرار داد و بدان استدلال کرد که

دارای سلسله سند موثق و منتهی به نویسنده کتاب باشد؛ و گرنه هر کس می تواند نوشته ای بنویسد (چنان که برخی نوشتند و وارد اخبار کردند) و آن را به شخص مورد وثوقی نسبت می دهد؛ مثلاً بنویسد: این نوشته زراره بن اعین یا محمد بن ابی عمیر و... می باشد.

۳. بررسی شخصیت های داستان

نام چند نفر در آغاز داستان آمده است که جز فضل بن علی، هیچ کدام شناخته شده نیستند و به گفته های آنان نمی توان استناد کرد.

علی بن فاضل که شاهد اصلی ماجرا و مدعی رفتن به جزیره خضراء و... است، جز به همین خبر شناخته شده نیست و عالمان رجال ذکری از او به میان نیاورده اند؛ و شخصیت هایی چون علامه حلی و ابن داود (صاحب کتاب رجال که تألیف آن، سال ۷۰۷ ق به پایان رسیده است) که معاصر، یا نزدیک زمان نقل داستان بوده اند، هیچ نامی از علی بن فاضل به میان نیاورده اند؛ حال آن که خبر جنجالی او که علاوه بر جنبه های حساس کلامی، دارای ابعاد فقهی نیز هست، به طور طبیعی باید انعکاس گسترده ای در محافل علمی و دینی آن زمان داشته باشد.

خلاصه سخن این که، این خبر از نظر سند نه تنها ضعیف است، بلکه باید گفت فاقد استناد بوده

و به جز نقل در کتب متأخرین - به ویژه پس از علامه مجلسی قدس سرّه - هیچ مستند دیگری ندارد. بدیهی است چنین نقل هایی سبب ارزش و اعتبار خبر نمی شود.

۴. شخصیت فضل بن یحیی علی طیبی کوفی

مجدالدین فضل بن یحیی بن علی بن المظفر بن الطیبی، به واسطه اجازه صاحب کشف الغمه (عیسی بن ابی الفتح اربلی) از رجال موثق شمرده می شود؛^(۱) ولی نکته مهم، آن که از کجا معلوم است فضل بن یحیی که در داستان جزیره خضراء به او منسوب است، همان فضل بن یحیی بن المظفر باشد؟ علاوه بر این که، راوی کتاب (کسی که کتاب را برای ما نقل کرده است) نیز شخصی مجهول و ناشناخته است. همچنین شخصی که فضل بن یحیی از او نقل می کنند (علی بن فاضل) نیز ناشناخته است.

بررسی این خبر از نظر سند، ابعاد دیگری نیز دارد؛ ولی برای رعایت اختصار به همین مقدار، بسنده می کنیم.

ب. بررسی متن داستان

۱. دلالت قصه بر تحریف قرآن

۱. از جمله مطالبی که ضمن گفت و گوی علی بن فاضل (مجهول) با شمس الدین (مجهول) آمده

۱- کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۴۵.

است، تصریح به تحریف قرآن است. یعنی کسی که این داستان را بپذیرد، باید با یک خبر که مجهول الراوی و در نهایت، خبر واحد آن هم از غیر معصوم است، معتقد به تحریف قرآن باشد، حال آن که نقل قرآن، متواتر است و نص قرآن نیز به حفظ آن از هر گونه تحریف، تصریح دارد؛^(۱) مگر آن که کسی مسلک اخباری ها را پذیرفته باشد، که با اخباری ضعیف و بی اعتبار مانند حدیث مذکور، مهم ترین و محکم ترین سند اسلام را تحریف شده بدانند که این، نهایت بی فکری و کم خردی و دوری از عقل و منطق است.

آری، شمس الدین مذکور در قصّه، به صراحت می گوید: قرآن جمع آوری شده در زمان خلفا، تحریف شده است.

و جمعوا هذا القرآن و اسقطوا ما كان فيه من المثالب التي صدر منهم بعد وفاه سيد المرسلين صلى الله عليه وآله فلماذا تری الآيات غير مرتبطة.^(۲)

چگونه می توان قرآن متواتر و تضمین شده را که همه ائمه: به آن استناد می کردند، با چنین اخباری زیر سؤال برد؟ آیا کسانی که چنین مجعولاتی را رواج می دهند، به توابع آن توجه دارند؟

۱- انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون (حجر: ۹).

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۰.

۲. راوی مجهول این خبر، «علی بن فاضل» که با نسبت مازندرانی از او یاد می شود، ضمن داستان، خود را عراقی الاصل معرفی می کند. گرچه محتمل است شهرت یک نفر در انتساب به شهر، یا منطقه ای با اصالت او متفاوت باشد، به نظر می رسد سازنده این داستان، دچار اندکی فراموشی شده است که یک بار، او را به نام مازندرانی و بار دیگر، عراقی الاصل معرفی می کند.

۳. در متن داستان آمده است:

هذا هو البحر الابيض و تلك الجزيرة الخضراء و هذا الماء مستديرٌ حولها مثل السور من أى الجهات أتيته وجدته و بحكمه الله ان مراكب اعدائنا اذا دخلته غرقت....

ولی علی بن فاضل، هنگام گزارش از جزیره، آن را دارای هفت حصار می داند و از برج های محکم دفاعی آن یاد می کند. حال اگر این جزیره به وسیله آب های سفید و نیروی غیبی، محافظت می شده، به حصارهای محکم چه نیازی داشته است؟

این مطلب وقتی بیشتر اهمیت می یابد که توجه داشته باشیم سید شمس الدین و چندین نسل از اجداد او در آن سرزمین زندگی می کرده اند!

۴. ضمن داستان، به نقل از خادمان قُبه می نویسد: «رؤیت امام، غیرممکن است»؛ ولی در گفت و گوی با سید شمس الدین، او سخن دیگری بر زبان می راند و می گوید: «برادرم! هر مؤمن با اخلاصی می تواند امام را ببیند؛ ولی او را نمی شناسد». حال چگونه می توان بین این دو ادعا جمع کرد؟

۵. یکی از روزهای جمعه، وقتی علی بن فاضل، سر و صدای زیادی از بیرون مسجد می شنود و علت را از سید شمس الدین جویا می گردد، وی اظهار می دارد سیصد نفر از فرماندهان، منتظر ظهور حضرت هستند و منتظر سیزده نفر دیگرند.

بر این اساس، بایستی این سیصد نفر که از خواص حضرت هستند، نیز دارای عمرهای طولانی باشند و تا اکنون در قید حیات بوده و در آینده نیز به زندگی ادامه دهند، تا زمان ظهور فرا رسد.

آیا بر چنین سخن گزافی، دلیلی داریم؟ دلایل تنها درباره امام زمان و برخی دیگر از انبیای الهی است؛ ولی درباره سیصد نفر که آنان نیز چنین عمرهایی داشته باشند، دلیلی در دست نداریم.

۶. به مقتضای این خبر، خمس بر شیعیان حضرت، حلال است و ادای آن واجب نیست. این

مطلب، خلاف نظر فقهای اسلام از آغاز غیبت تاکنون است.

۷. علی بن فاضل، از سید شمس الدین می پرسد: «آیا تو امام علیه السلام را دیده ای؟» می گوید: نه، ولی پدرم به من گفت سخن امام را شنیده؛ ولی شخص او را ندیده است و جدم سخنانش را شنیده و او را دیده است؛ ولی در جای دیگر همین داستان می خوانیم:

شمس الدین گفت: «هر مؤمن با اخلاصی می تواند امام را ببیند؛ ولی او را نشناسد». گفتم: «من از مخلصان هستم؛ ولی او را ندیده ام». گفت: «دو بار او را دیده ای؛ یک بار در راه سامرا و یک بار در سفر مصر...».

حال سؤال این است: چگونه کسی که ادعای نیابت خاص دارد و از ملاقات های امام علیه السلام آگاه است، خود، آن حضرت را ندیده است و اظهار می کند پدرش، سخن آن حضرت را شنیده است؟

در جای دیگر داستان، ادعا می کند: او (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) پدرانش را در مدینه، عراق و طوس، زیارت می کند و به سرزمین ما برمی گردد. معنای این سخن، آن است که سید شمس الدین از سفرهای امام زمان و ورود و خروج آن حضرت نیز مطلع بوده و آن حضرت، در جزیره خضراء ساکن است. حال چگونه است کسی که چنین اطلاعات دقیقی از امام علیه السلام دارد، آن حضرت را ندیده است.

۲. موقعیت تاریخی داستان

نقل کننده این داستان، مدّعی است در این سال، خبر را از شخصی شنیده است، سپس برای اطمینان، نزد «علی بن فاضل» رفته تا بدون واسطه، خبر را از او بشنود.

فرض می کنیم واقعاً، این ملاقات انجام شده و «فضل بن علی»، «علی بن فاضل» را ملاقات کرده باشد. بر این اساس، سفر «علی بن فاضل» به اندلس، باید در حدود دهه های پایانی قرن ششم قمری صورت پذیرفته باشد؛ چرا که این ماجرا در زمان تحصیل «علی بن فاضل» بوده و علی القاعده با گذشت سال هایی، این واقعه را برای دیگران نقل کرده است.

۳. ویژگی های تاریخی قرن ششم قمری

دهه های پایانی این قرن، دوران زوال و ضعف خلافت عباسی است و حکومت سلجوقی نیز - که در ظاهر، زیر فرمان خلافت عباسی بود؛ ولی عملاً همه شؤون آن را اداره می کرد- رو به ضعف و فروپاشی نهاد.

دولت عظیم سلجوقی، به دولت های متعدّد و درگیر با هم تقسیم شد. این وضعیت، از سویی زمینه عرض اندام بیشتر خلفای عباسی را فراهم کرد، تا به فکر احیای اقتدار گذشته خویش باشند - که البته میسر نشد - از سوی دیگر، صلیبیان را تحریک کرد، تا بر بلاد اسلامی هجوم برند و

طایفه مغول را نیز بر آن داشت، تا به سرزمین های اسلامی دست اندازی کنند.^(۱)

حکومت مقتدر فاطمی (که در مصر و شمال آفریقا و سرزمین های مجاور آن، حاکمیت داشت) نیز در نیمه قرن ششم، آخرین روزهای حیات خود را می گذراند و چهاردهمین خلیفه فاطمی (عاضد) در ۵۶۷ ق، پس از آن که صلاح الدین ایوبی مصر را در اختیار گرفت، در گذشت و خلافت فاطمی به آخر رسید.^(۲) بدین سان، پس از چند قرن، حکومت شیعی در مصر پایان یافت.^(۳)

اواخر قرن پنجم قمری، در مغرب اقصی (تونس، الجزایر، مراکش) «مرابطین» حرکت عظیمی را آغاز کردند؛ این حرکت سیاسی، اجتماعی - که برای مدتی، حکومت مقتدری تشکیل داد- تا چند قرن ادامه داشت و مدّت زیادی شاخه های این حرکت، در اندلس حکومت می کرد.

۴. دریای سفید و جزیره خضراء

دریای سفید، همان دریای مدیترانه است که در زبان عرب، آن را «البحر الأبيض المتوسط» می نامند.

دلیل نام گذاری این دریا به «البحر الأبيض»، سفید بودن آب آن، به دلیل نوع رسوبات دریا است.

سخن از مصر و قاهره و الازهر و سفر دریایی به اندلس و بازگشت از اندلس به مغرب، در

۱- حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۶۲.

۲- حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، ج ۵.

۳- حسن ابراهیم حسن، تاریخ الدوله الفاطمیّه، ص ۱۸۱.

داستان جزیره خضراء، گواه آن است که دریای سفید در این داستان، بدون شک همان دریای مدیترانه است.

جزیره خضراء، قسمتی از انتهای جنوب غربی اسپانیای فعلی (اندلس قدیم) است که در گذشته، به همین نام شهرت داشته است و در حال حاضر نیز با نام «Algeiras» شناخته می شود.

۵. تاریخچه ای از جزیره خضراء

این جا لازم است تاریخچه ای از جزیره خضراء بیان شود.

در سال های حدود ۹۰ ق شخصی به نام رودریک (ردزیک) - به سبب آن که مردم اندلس و دولتمردان آن، به فرزندان پادشاه پیشین نظر نداشتند- در آن خطه به پادشاهی رسید.

عادت حاکمان بخش های مختلف اندلس، این بود که فرزندان دختر و پسر خود را برای خدمت به پادشاه و تربیت در دربار، به «طلیطله»^(۱) می فرستادند. این گروه، آن جا ازدواج می کردند و به زندگی خود ادامه می دادند.

یولیان، حاکم جزیره خضراء و سَبَّته و... ، نیز دختر خویش را نزد رودریک فرستاد. رودریک از آن دختر بسیار خوشش آمد و با او خلوت کرد. دختر، داستان خود را برای پدر نوشت. یولیان از این ماجرا خشمگین شد و برای انتقام از رودریک،

۱- از طلیطله در حال حاضر با نام «تولدو» یاد می شود.

نامه ای به موسی بن نُصَیر _ که از سوی ولید بن عبدالملک فرماندار افریقا بود، _ فرستاد. و او را به جزیره خضراء و فتح اندلس دعوت کرد.

موسی بن نُصَیر به جزیره خضراء آمد و با یولیان معاهده ای بست. یولیان نیز وضعیت اندلس را برای موسی تشریح کرد. موسی بن نُصَیر نامه ای به ولید بن عبدالملک نوشت و از او کسب تکلیف کرد. ولید، به او نوشت که در آغاز، پیشقراولانی برای کسب اخبار بفرستد، تا مسلمانان را در دریای بی کران، گرفتار نسازد.

موسی بن نُصَیر، دوباره به ولید نوشت که این جا، دریای وسیعی نیست؛ بلکه خلیجی است که آن طرفش معلوم است.

منظور او، این بود که فاصله بلاد مغرب تا اندلس، اندک است و تنها خلیجی کم عرض، میان آن دو قرار دارد.

موسی، پانصد نفر را با چهار کشتی به سوی اندلس فرستاد. آنان، در جزیره ای پیاده شدند که آن جزیره را بعداً به نام فرمانده خود، طریف نامیدند.

آنان، به جزیره خضراء حمله کردند و غنائم بسیاری به دست آوردند و در رمضان سال ۹۱ ق، از آن جا بازگشتند. همین واقعه، سبب حرکت مسلمانان برای فتح اندلس شد و موسی بن نصیر، «طارق» را به طرف اندلس فرستاد.

طارق، جزیره خضراء را فتح کرد. در این فتح، یولیان در خدمت او بود. (۱) موسی بن نصیر، در رمضان ۹۳ق، پس از فتح اندلس به دست طارق، در مسیر اندلس وارد جزیره خضراء شد.

در سال ۱۲۳ق، زمانی که عبدالملک بن قطن امیر اندلس بود، امیر منطقه بربر در افریقا، به او پناه آورد و هنگام بازگشت، از عبدالملک کشتی هایی خواست تا خود و نیروهایش از اندلس خارج شوند. عبدالملک به آنان گفت، از کشتی های جزیره خضراء استفاده کنند. (۲)

در سال ۱۴۳ رزق بن نعمان که حاکم جزیره خضراء بود، به سدوته و اشبیلیه حمله کرد. (۳)

در سال ۲۴۵ ق مجوسیان سرزمین اندلس به جزیره خضراء حمله کردند و مسجد جامع آن جا را آتش زدند. (۴)

در سال ۳۹۲ق، ابو عامر محمد بن ابی عامر در گذشت. وی که حاجب هشام بن عبدالرحمان بود، در زمان صدارت خود،

۵۲ نبرد در اندلس انجام داد. او، وزیر با کفایتی بود و اصل او، از جزیره خضراء بود. (۵)

در سال ۴۰۷ق، «علی بن حمود بن ابی العیش بن میمون بن أحمد بن علی بن عبدالله بن عمر بن ادیس بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب»، در اندلس به حکومت

۱- ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۵۶۲.

۲- ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۲۵۱.

۳- ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۵۱۲.

۴- ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۹۰.

۵- ابن اثیر، الکامل، ج ۸، ص ۶۷۸.

رسید و برادرش، قاسم بن حمود حاکم جزیره خضراء شد. (۱)

در محرم ۴۰۷ ق، «مستعین»، دو نفر به نام قاسم و علی (فرزندان حمود بن میمون بن احمد بن علی بن عبیدالله عمر بن ادريس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب) را به امارت سبته و جزیره خضراء منصوب کرد. قاسم، حاکم جزیره خضراء و علی، والی سبته شدند. (۲)

در سال ۴۱۳ ق، یحیی بن علی به جزیره خضراء حمله کرد و بر آن چیره شد. (۳)

در سال ۴۳۱ ق، قاسم بن محمود، پس از مرگ، یا کشته شدن، در جزیره خضراء دفن شد. (۴)

در سال ۴۷۹ ق، یوسف بن تاشفین پس از پیروزی در نبرد زلاقه (۵) به جزیره خضراء بازگشت. (۶)

در سال ۵۵۱ ق، عبد المؤمن، پسرش ابا سعید را به ولایت سبته و جزیره خضراء منصوب کرد. (۷)

در سال ۵۸۰ ق، یوسف بن عبد المؤمن، از خلفای موحدین، برای نبرد با نصارای اندلس در جبل الطارق پیاده شدند و سپس به جزیره خضراء وارد شدند. پس از آن به سوی اشیونه (لیسبون فعلی که در کشور پرتغال است) حرکت کرد و در آن نبرد نیز پیروز شدند. یوسف، در این نبرد، مجروح شد و در راه بازگشت به جزیره خضراء از دنیا رفت. (۸)

۱- ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۲۷۰.

۲- المعجب فی تلخیص أخبار المغرب، ص ۴۳.

۳- الکامل، ج ۹، ص ۲۷۴.

۴- الکامل، ج ۹، ص ۲۷۶.

۵- نبرد زلاقه، نبردی مشهور است که در آن، مسلمانان به پیروزی عظیمی در شمال اندلس نایل شدند.

۶- الکامل، ج ۱۰، ص ۱۵۴.

۷- الکامل، ج ۱۱، ص ۲۱۱.

۸- حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص.

در سال ۶۲۱ ق، غرناطه از دست دولت موحدان بیرون رفت و از اندلس، فقط اشبیلیه و [دروازه] جزیره خضراء در دست آنان ماند. (۱).

۶. دروازه جزیره خضراء

این ها، تنها، گوشه ای از یادکرد جزیره خضراء در کتاب های تاریخی است. این حوادث تا سال ۸۹۷ ق- که اندلس به کلی از دست مسلمانان خارج شد- ادامه داشته است. در این سال ها، حاکمان مختلفی از جمله، حمودی ها، بنی هود، بنی عامر، مرابطین، حاکمان مغرب،... بر آن حکومت کردند و گاه نیز با هجوم مسیحیان، جزیره خضراء برای مدتی از حاکمیت مسلمانان خارج بوده است.

شهر قرطبه که از مهم ترین شهرهای اندلس در زمان حکومت مسلمانان بوده است، دارای هفت دروازه بود:

باب القنطره که به آن، باب الوادی و باب جزیره الخضراء نیز گفته می شد؛

باب الحديد (سرقسطه)؛

باب ابن عبدالجبار (طلیطله)؛

باب طلبیره (لیون)؛

باب عامر؛

باب بطلیوس؛

باب النطارین (اشبیلیه).

این نامگذاری، نشان می دهد جزیره خضراء، مکان مشهوری در اندلس بوده است؛ به گونه ای که در شهر معروف و بزرگ قرطبه دروازه ای به این نام وجود داشته است.

۷. قاهره و الأزهر

در این داستان، از قاهره و الازهر نیز یاد شده است. بنابر آنچه در داستان مذکور آمده، راوی داستان، همراه استاد خود به سوی اندلس حرکت کرده است.

باید توجه داشت که دسترسی به اندلس از مسیر قاهره، به دو صورت میسر بوده است: از طریق دریای مدیترانه و نیز پیمودن ساحل جنوبی مدیترانه و گذر از شمال آفریقا.

با توجه به این که در داستان، به سرزمین بربرها اشاره شده، به نظر می رسد مسیر آنان، از راه خشکی و سواحل جنوبی مدیترانه بوده است؛ بویژه آن که در مرحله نخست سفر، از دریا و کشتی به میان نیامده است.

بربرها، طایفه ای سفید پوست و از نژاد حامی بودند که در شمال آفریقا زندگی می کردند. اکثر آنان، در قرن یکم هجری، به اسلام گرویدند. (۱)

بنابراین، علی بن فاضل در سواحل جنوبی مدیترانه، سیر کرده است و از سرزمین بربرها نیز گذر کرده است.

۸. جزایر رافضیان (شیعیان)

سرزمین مصر و شمال آفریقا، چندین قرن تحت استیلای حکومت فاطمی (از طوایف شیعه) قرار داشت. نیز، دولت موحدین - که با عقاید انحرافی مرابطین و... به ستیز برخاست - از نظر پایه های فکری، شباهت زیادی به شیعه داشت.

۹. حکومت موحدان

موحدان، از سال ۵۱۷ ق به نبرد با مرابطین پرداختند؛ آنان سال ۵۴۱ ق، اندلس را فتح کردند و تا سال ۶۳۲ ق، اندلس را در اختیار داشتند.

بنیانگذار این حرکت، شخصی به نام محمد بن عبدالله بن تومرت بود که در سوس قیام کرد و خود را از فرزندان حسن مثنی می دانست.

او، نسب خود را چنین نوشته است: «محمد بن عبدالله بن عبدالرحمان بن هود بن خالد بن تمام بن عدنان بن صفوان بن سفیان بن جابر بن یحیی بن عطاء بن ریاح بن یسار بن عباس بن محمد بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب».^(۱)

حرکت ابن تومرت، متأثر از اصلاحاتی بود که غزالی در سرزمین های مغرب اسلامی نشر داد. ابن تومرت، در بغداد، در درس غزالی حاضر شده، تحت تأثیر تفکرات او قرار گرفت و از همان جا، فکر برانداختن مرابطین و تأسیس حکومت موحدین، در او پدیدار شد.^(۲)

۱- وفيات الأعیان، ج ۴، ص ۱۴۶.

۲- تاریخ اندلس در عهد مرابطین و موحدین، ص ۱۹۵.

۱۰. افکار و عقاید محمد بن تومرت

افکار و عقاید محمد بن تومرت را در موارد زیر می توان خلاصه کرد:

- مبارزه با منکرات و فساد حاکمان؛

- تکیه بر نام «مهدی آل محمد» و تبلیغ وسیع از اصل مهدویت؛

- ادعای مهدویت و این که او همان مهدی موعود است؛

گفته اند او، در باطن، به مذهب شیعه تمایل داشت؛ ولی آشکار نمی کرد. (۱)

موحدین، به پیشوایی عبدالؤمن، سال ۵۴۰ ق، بر قسمت غربی اندلس تسلط یافتند و جزیره خضراء و اشبیلیه و قرطبه و غرناطه را فتح کردند.

آن چه بیش از هر چیز در حکومت موحدین قابل تأمل است و توجه به آن برای درک زمینه های پیدایش داستان جزیره خضراء لازم است، موضوع مهدویت و ادعای آن از سوی محمد بن تومرت است.

این عقیده، پس از تومرت، میان پیروان او باقی ماند، به گونه ای که برخی از آنان مرگ وی را منکر شدند و باور داشتند که او بار دیگر ظهور خواهد کرد.

ابن تومرت، در خطبه های خود چنین می گفت:

الحمد لله... و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ الْمَبْشُرِ بِالْمَهْدِيِّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا

۱- تاریخ فتوحات مسلمین در اروپا، ص ۱۶۴.

ملئت ظلماً و جوراً يبعثه الله إذا نسخ الحق بالباطل و أزيل العدل بالجور، مكانه المغرب الأقصى و زمنه آخر الزمن و اسمه اسمُ النبي و نسبه نسبُ النبي و قد ظهر جور الأمراء و امتلأت الأرض بالفساد و هذا آخر الزمان والاسم الاسم والنسب النسب والفعل الفعل. (۱)

بنابراین، محمد ابن تومرت به صراحت، خود را مهدی موعود نامیده است.

ج. نقش شیعه در سرزمین های مغرب اسلامی

۱. تاریخچه نهضت های شیعی در بلاد مغرب (شمال آفریقا و اندلس)

حرکت های شیعی در شمال آفریقا و اندلس، فراوان بوده است. در کتب تاریخی، به ویژه آن هایی که دارای وابستگی هایی به خلافت عباسی یا اموی بوده اند- از صاحبان این حرکات، به رافضیان یاد می کنند.

ابن خلدون می نویسد:

«دولت عبیدیان (فاطمیان) نزدیک ۲۷۰ سال دوام یافت، سپس فرمانروایی آنان منقرض شد؛ در حالی که شیعیان ایشان در همه معتقدات خود باقی و پایدار بودند. شیعیان آنان، بارها پس از زوال دولت و محو آثار آن، قیام کردند. در رافضی گری تعصب

داشتند؛ آن قوم، از این سوی بدان سوی منتقل می شدند؛ زیرا، در معرض بدگمانی دولت ها قرار داشتند و زیر نظر و مراقبت ستمکاران بودند و به سبب بسیاری پیروان و پراکنده شدن دعوتگران ایشان در نقاط دور و قیام های پیاپی آنان، یکی پس از دیگری، سران آنان به اختفا پناه برده و کمابیش ناشناخته می ماندند؛ به گفته شاعر: اگر از روزگار، نام مرا بررسی، نمی داند و اگر مکان مرا بررسی، جایگاه مرا باز نخواهد شناخت»^(۱).

برای بررسی بیش تر درباره وضعیت اندلس و بلاد مغرب در قرون مرتبط با موضوع بحث، یکی از مهم ترین اسناد و مدارک موجود، کتاب العبر از ابن خلدون، و مقدمه آن است.

نقل ها و تحلیل های ابن خلدون در این زمینه، اهمیت فراوان دارد؛ چرا که او به منزله شاهدی است که حوادث قرن هفتم و هشتم را برای ما گزارش کرده است.

۲. موقعیت جغرافیایی جزیره خضراء، در کلام ابن خلدون

اقلیم چهارم بر ساحل جنوبی؛ این قطعه در جنوب شهر طنجه قرار دارد و این قطعه دریا در شمال طنجه به وسیله یک خلیج تنگ به عرض دوازده میل، میان طریف و جزیره خضراء در شمال، و قصر مجاز و سبتة در جنوب، واقع است.^(۲)

۱- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۹.

۲- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۲۰.

همه این نواحی، از بلاد اندلس باختری به شمار می روند که نخستین آن ها، شهر طریف است که نزدیک جایگاه پیوستگی دو دریا است و در خاور آن، بر ساحل دریای روم، به ترتیب، جزیره خضراء و مالقه و... قرار دارد. (۱)

ابن خلدون، درباره رواج تفکر و ادعای مهدویت در آن زمان، چنین می نویسد:

ابن قسی (۲) صاحب کتاب خلع النعلین مردم اندلس را به نام دعوت به حق، شوراند. او، کمی پیش از دعوت مهدی (ابن تومرت) کار خود را آغاز کرد. (۳)

گاهی برخی از این دسته، خود را به «فاطمی موعود»، یا «منتظر» نسبت می دهند؛ یعنی یا خویش را، خود او می خوانند، یا از داعیان وی می شمردند؛ چنان که در آغاز این [قرن هشتم قمری] در سوس مردی از متصوفه، به نام تویذری قیام کرد و به مسجد ماسه که در ساحل دریای آن جا است، شتافت. او از روی تلبیس و عوام فریبی، خود را نزد مردم آن ناحیه، فاطمی موعود معرفی می کرد، زیرا مغز عامیان آن سامان از پیشگویی های مربوط به انتظار فاطمی موعود، پر شده بود. نخست، طوایفی از بررها پیرامون وی گرد آمدند، همچنین در آغاز این قرن، مردی به نام عباس در عماره خروج کرد و

۱- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲- او به سال ۵۳۴ ق، در اندلس ادعای مهدویت کرد و به پیشرفت هایی نایل شد؛ ولی پیروانش او را به موخیدن تسلیم کردند.

۳- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۰۴.

همین ادعا را مطرح ساخت و گروهی گرد او جمع شدند. او به بادیس یکی از نواحی آن جا لشکر کشید و چهل روز پس از ظهورش کشته شد. (۱)

پس از مرابطان، مهدی پدید آمد و مردم را به حق دعوت کرد. او مذهب مردم مغرب را نکوهش می کرد و پیروان خویش را موحدان نامید و رأی خاندان نبوت را در امامت امام معصوم می دانست و ناچار، چنین امامی، در هر زمان باید وجود داشته باشد، تا به سبب وجود او، نظام جهان حفظ شود.

و این که وی (ابن تومرت) را امام نامید، به سبب آن است که در مذهب شیعه، خلفای خویش را بدین لقب می خواندند و همراه کلمه امام، لفظ معصوم را می آورند، تا به عقیده شیعه به عصمت امام، اشاره داشته باشد...

مهدی، به نام امیرالمؤمنین خوانده می شد و وی «صاحب الامر» بود. (۲)

محمد بن ابراهیم ایلی داستان شگفت آوری از این گونه موارد برای من نقل کرد و آن، این است که: هنگام سفر حج، از رباط عباد- که مدفن شیخ ابومدین در کوه تلمسان است- مردی از خاندان پیامبر [سید] که از ساکنان کربلا بوده است، همسفر او می شود. آن مرد، دارای پیروان و شاگردان

۱- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۰۸.

۲- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۴۱.

و خدمتگزاران بسیار بوده و میان قوم خود، مقام ارجمندی داشته است. در بیشتر شهرها، همشهریانش از او استقبال می کردند و مخارج وی را می پرداختند.

شیخ گوید: میان ما، دوستی استوار گردید و موضوع کار او بر من کشف شد. وی با همراهان خویش از کربلا که اقامتگاه او بود، برای جست و جوی فرمانروایی و ادّعی این که فاطمی است، به مغرب آمده و چون دیده بود دولت مرینیان - که در آن هنگام تلمسان را پایتخت خود قرار داده بودند- در نهایت قدرت است، به همراهان خود گفته بود: «برگردید، که ما دچار اشتباه شده ایم و اکنون هنگام ادّعی ما نیست...» (۱).

۳. نیروی دریایی مسلمانان در مدیترانه

ابن خلدون، وضعیّت نیروی دریایی مسلمانان را در مدیترانه (بحر ایض)، چنین گزارش کرده است:

نیروی دریایی اندلس، در روزگار عبدالرحمان ناصر، به دویست کشتی رسیده بود و نیروی دریایی افریقیه نیز به همان اندازه، یا در آن حدود بود... مسلمانان، در روزگار دولت اسلامی، بر کلیه سواحل این دریا [مدیترانه] تسلط یافته بودند و

۱- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۶۴۲.

قدرت و صولت ایشان در فرمانروایی بر آن دریا، به اوج عظمت رسیده بود. ابوالقاسم شیعی و پسرانش، با نیروی دریایی خویش، از مهدیه به جزیره جنوه [ژنو] حمله می بردند و پیروز می شوند. مجاهد عامری، جزیره ساردنی را به وسیله نیروی دریایی، در سال ۴۰۵ ق، فتح کرد. سپاهیان اسلام، به وسیله نیروی دریایی خویش، از سیسیل تا اروپا دریانوردی می کردند و با پادشاهان فرنگ به نبرد برمی خاستند چندان که اثری از نیروی دریایی مسیحیان بر جای نماند.

در ناحیه غربی این دریا [مدیترانه]، همواره ناوگان نیرومند و نیروی دریایی مهمی وجود داشته و هم اکنون نیز [زمان ابن خلدون] وجود دارد و هیچ دشمنی را یارای تجاوز بدان کرانه ها نیست. (۱)

و چون دولت موحدان در سده ششم، به اوج عظمت رسید و فاس و اندلس را به تصرف در آورد، سلاطین ایشان، منصب و پایگاه دریانوردی را به کامل ترین و بزرگ ترین وضعی که تا کنون شنیده شده، تأسیس کردند و فرمانده آن، احمد صقلی بود. در روزگار او، نیروی دریایی مسلمانان، هم از لحاظ شماره و هم از حیث کیفیت و استحکام، در حدود معلومات ما، به مرحله ای رسید که نه در گذشته بدان مرتبه رسیده بود و نه در آینده. (۲)

۱- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۸۵-۴۸۶.

۲- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۸۸.

۴. سکه هایی با نام «مهدی»

در داستان جزیره خضراء، سخن از سکه هایی است که بر روی آن، کلمات توحید و شهادتین و نیز نام مهدی حک شده است.

برای روشن شدن موضوع، باز هم به سراغ ابن خلدون و مقدمه تاریخ او می رویم، تا مطلب، بیشتر روشن شود:

چون دولت موحدان روی کار آمد، از سنتی که مهدی [پیشوای موحدان] برای آنان مقرر داشت، زدن سکه های درهم چهار گوش بود. دینار بر همان شکل بود؛ ولی در وسط دایره، شکل مربعی ترسیم می کردند و یکی از دو جانب آن را از کلمه ای که حاکی از یکتاپرستی و ستایش یزدان بود، پر می ساختند و در جانب دیگر، سطوری به نام مهدی و نام خلفای پس از او اختصاص می دادند. (۱)

۵. مهدویت در مغرب اسلامی و اندلس

اشاره

از آنچه تا کنون گفته شد، به روشنی در می یابیم که سرزمین مغرب و اندلس، به دلایل مختلف، زمینه مناسبی برای طرح موضوع مهدویت داشته اند. این دلایل را می توان بدین شکل خلاصه کرد:

سرزمین مغرب و شمال آفریقا، به دلیل آن که از مرکز عالم اسلام دور بودند، زمینه مناسبی برای

۱- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۰۲.

رشد تفکر و حرکت‌ها برضد حکومت مرکزی بوده است.

از عمده‌ترین حرکت‌ها در آن سرزمین، حرکت‌های مبتنی بر تفکر شیعی بوده است که همواره با بنی‌امیه و بنی‌عباس درگیر بوده‌اند.

تفکر مهدویت و تکیه بر ظهور مصلح فاطمی (از نسل فاطمه زهرا علیها السلام) از موضوعاتی بوده که در آن سامان تبلیغ می‌شده است و کسانی مدعی مهدویت می‌شده‌اند.

حکومت مقتدر فاطمی که مبتنی بر تفکرات شیعی اسماعیلی بوده، به صورت گسترده‌ای تفکر مهدویت را نشر داده است.

توجه به تاریخ مغرب اسلامی و اندلس تا قرن هشتم قمری، این نکته را به وضوح می‌نمایاند که تفکر مهدویت در آن خطه، بسیار نیرومندتر از مشرق اسلامی بوده است و بنیاد بسیاری از نهضت‌های آن سامان بوده است.

با توجه به مستندات تاریخی ذکر شده و اسناد غیر قابل انکار در این زمینه، می‌توان درباره داستان جزیره خضراء چنین نتیجه‌گیری کرد:

الف. امکان دارد علی بن فاضل، خود به سرزمین اندلس و جزیره خضراء مسافرت کرده باشد و در زمان سفر او در جزیره خضراء نیز حکومتی شیعی و از سلسله موحدان، یا خاندان‌های دیگر شیعی، حاکم بوده‌اند؛ ولی علی

بن فاضل، مهدی موعودِ موردِ ادعای آنان را با معتقدات شیعه اثناعشری اشتباه گرفته و هنگام نقل نیز، عقاید خود را با آن، آمیخته است.

چنین تطبیق‌های ناروایی، برای نخستین بار و آخرین بار نبوده است؛ بلکه بسیاری از ناقلان، آگاهانه یا ناآگاهانه، معتقدات خود را با نقل‌ها مخلوط کرده و می‌کنند؛ چنان که در زمان حاضر نیز بسیار دیده یا شنیده ایم که افرادی، موهومات خود را با حقایق مخلوط کرده و چه بسا خود نیز از این اختلاط، بی‌خبرند!

نگارنده، خود، شاهد جریاناتی بوده که افرادی متدین و مقدس؛ ولی ناآگاه، تحت تأثیر فریبکاری برخی افراد قرار گرفته و آنان را باب امام زمان می‌دانستند و اگر کسی منکر می‌شد، او را تکفیر می‌کردند!

طبیعتاً، در زمان وقوع داستان (دهه‌های میانی قرن هفتم) و فشارهایی که در مشرق اسلامی آن زمان بر شیعه بوده، نهایت آرزوی یک شیعه، رهایی از آن وضعیت و مشاهده پیروزی شیعه و غلبه و حکومت آن در سرزمینی هر چند دور دست بوده است.

علی بن فاضل نیز که فرد کم‌اطلاعی بوده است _ و از همین رو، گزارش‌های او از سرزمین مصر و سرزمین بربرها و... بسیار مبهم است _ با مشاهده سرزمینی که در آن حکومتی شیعی قرار

دارد، شادمان شده است: به ویژه آن که حکومت را حکومت فرزندان صاحب الأمر تلقی کرده، از این رو مدّعی آنان را در این زمینه، کاملاً با عقاید شیعه تلفیق کرده است.

ب. احتمال دارد علی بن فاضل، خود به سرزمین اندلس و... سفر نکرده است؛ بلکه از دیگران که به آن سرزمین ها (جزیره خضراء) رفت و آمد داشته اند، اخباری را از حکومت مهدی (ابن تومرت) و فرزندان و جانشینان او، یا دیگر حکومت های شیعی، شنیده است. سپس آرمان های خود را با آنچه شنیده است، تطبیق داده، یا داستانی از سفر خود به جزیره خضراء ساخته است. افرادی نیز که ماجرا را شنیده اند، مانند علی طیبی کوفی، افرادی بی اطلاع از حوادث تاریخی، به ویژه رخدادهای مغرب اسلامی بوده اند؛ از همین رو، آن چه را شنیده اند، باور کرده اند و بدون هیچ نقدی، به نقل آن پرداخته اند.

حاصل آن که ماجرای جزیره خضراء، آمیخته ای از واقعیات آن زمان است که رنگ عقاید شیعه اثنا عشری به آن زده شده و در کتب شیعه راه پیدا کرده است.

مثلث برمودا

در جنوب غربی ایالات متحده آمریکا، منطقه ای وجود دارد که به مثلث برمودا معروف است. رسانه های غربی، با افسانه سازی های هدف دار

درباره آن، خواسته اند این منطقه را، منطقه ای مرموز و پرخطر قلمداد کنند.

در این مقاله، ضمن بررسی این موضوع، تطبیق نابجای آن، بر جزیره خضراء نقد و ارزیابی خواهد شد.

۶. موقعیت جغرافیایی برمودا (Bermuda)

مقابل ایالت های جورجیا، کارولینا و فلوریدای آمریکا، جزایری به نام برمودا وجود دارد. در جنوب این جزایر، جزایر باهاما، پرتوریکو، دومینیکن، هائیتی، جامائیکا و کوبا قرار دارد.

جزایر برمودا، در ۹۳۴ کیلومتری شرق سواحل آمریکا قرار دارد و متشکل از ۱۵۰ جزیره مرجانی است که فقط بیست جزیره آن، قابل سکونت است. جمعیت آن، حدود ۶۵۰۰۰۰ نفر و نژاد ساکنانش سیاه، سفید و دو رگه است. بیشتر مردم آن، پروتستان هستند و هامیلتون مرکز آن است.

برمودا از قدیم ترین مستعمرات انگلستان است.

۷. مثلث برمودا

این مثلث، یک مثلث فرضی است که رأس آن، جزایر برمودا و قاعده آن، ایالات متحده آمریکا «ایالت های جنوب شرقی» و اضلاع آن، کشورهای کوبا، هائیتی، دومینیکن و جامائیکا را در بر می گیرد. (۱)

ص: ۴۷

بخش دوم

اشاره

الف. وضعیت کشورهای منطقه مثلث برمودا

اشاره

کوبا، با بیش از ۱۶۰ جزیره، در جنوب سواحل فلوریدای آمریکا و شمال غرب دریای کارائیب قرار دارد. جمعیت آن، در سال ۱۹۷۹ م، حدود ده میلیون نفر بوده است که بیشتر آنان مسیحی اند و زبان آن ها اسپانیولی است.

۱. تاریخچه کوبا

کریستف کلمب در ۱۴۹۲ م، سواحل شرقی کوبا را کشف کرد. آن زمان، یک میلیون نفر سرخ پوست آن جا زندگی می کردند. در سال ۱۵۱۱ م، اسپانیایی ها کوبا را مستعمره خود قرار دادند. با کاهش جمعیت بومی جزیره (در اثر کشتار و فشار استعمارگران)، اسپانیایی ها شروع به وارد کردن بردگان آفریقایی کردند. کوبا، از سال ۱۹۵۰ م، به بعد، مرکز اجتماع کشتی ها می شد که حامل غنیمت هایی بود که از دنیای جدید، به دست می آمد.

دریانوردان فرانسوی و انگلیسی، پیوسته برای اسپانیایی های کوبا، مزاحمت ایجاد می کردند. این کشور، در قرن هفدهم، محل رقابت شدید قدرت های اروپایی بود.

مبارزه کوبایی ها، برای استقلال در سال های ۱۸۲۰ م با فراز و نشیب همراه بود و اسپانیایی ها، با شدت و خشونت، استقلال طلبان را سرکوب می کردند.

هزاران کوبایی به آمریکا گریختند و با تشکیل انجمن های سرّی، مبارزات چریکی خود را آغاز کردند که ده سال به طول انجامید؛ ولی تسلط اسپانیایی ها بر کوبا باقی ماند.

سران ایالات متحده آمریکا، علاقه مند بودند کوبا را به کشور خود ملحق کنند؛ ولی جنگ های داخلی آمریکا مانع آن شد.

در فوریه ۱۸۹۸ م کشتی زره پوش نیروی دریایی آمریکا، در ساحل هاوانا منفجر شد و این، بهانه ای گردید تا آمریکا، با اسپانیا به جنگ کوتاهی پردازد. تجهیزات اسپانیایی ها در سانتیاگو منهدم شد و سرانجام، آنان در معاهده پاریس ۱۸۹۸ م کوبا و پروتوریکو را به آمریکا واگذار کردند. از این پس، کوبا به وسیله آمریکایی ها اداره می شد. آنان پایگاهی در گوانتانامو ایجاد کردند (که اکنون نیز در دست آمریکا است).

در سه دهه اول قرن بیستم میلادی (۱۹۰۰ تا ۱۹۳۰م) بارها نظامیان آمریکا در امور کوبا مداخله کردند. حکومت دست نشانده آنان در کوبا، با اختناق تمام، سلطه آمریکا را برقرار می کرد. مالکیت آمریکایی ها بر بیشتر بخش های اقتصادی کوبا،

مشکلات حادّی برای این کشور پدید آورد و سراسر کوبا، پر از فساد، فقر، قمار و انحرافات جنسی شد.

مبارزه مردمی اهل کوبا، به رهبری کاسترو، با شدت تمام از سوی دولت دست نشانده و نیروهای آمریکایی، سرکوب شد؛ ولی کاسترو در سال ۱۹۵۹ م توانست پس از نبردهای فراوان، وارد هاوانا شده، قدرت را به دست گیرد.

در ۲۵ اکتبر همان سال، هاوانا به وسیله هواپیماهای مزدورانی که از سوی آمریکا سازمان یافته بودند، بمباران شد.

کاسترو نیز اموال آمریکایی ها را - که مالک ۹۰٪ املاک و بیشتر بخش های اقتصادی و مهم کوبا بودند - مصادره کرد.

فشارهای آمریکا، کوبا را به انعقاد قرارداد با شوروی واداشت. آمریکا با سازمان دهی هزاران کوبایی گریخته از کشور، به کوبا حمله کرد و جنگ خلیج خوک ها را پدید آورد. در این حمله، مزدوران آمریکایی، دچار شکست سختی شدند.

در ۱۹۶۲ م، شوروی، پایگاه موشکی در کوبا ایجاد کرد که خطر جنگ سوم جهانی را در پی داشت. شوروی با تهدیدات آمریکا، پایگاه های خود را تعطیل کرد.

۲. هائیتی (Haiti)

هائیتی نیز از مستعمرات اسپانیا بود. رقابت بین استعمارگران اروپایی، سبب بروز جنگ های

بسیاری، در این منطقه شد. فرانسویان و انگلیسی ها، به حمایت از دزدان دریایی، به آزار اسپانیایی ها می پرداختند؛ بالاخره فرانسویان، آن را تصرف کردند و تا اوایل قرن نوزدهم، هائیتی را در استعمار خود داشتند.

فرانسویان، مبارزات طولانی مردم و برده ها در هائیتی را با قساوت تمام، سرکوب کردند. هائیتی، اکنون از کشورهایی است که زیر سلطه آمریکا قرار دارد و ایالت پنجاه و دوم آن کشور، شناخته می شود. (۱)

۳. باهاما (Bahamas)

باهاما، حدود ۷۰ جزیره و ۲۰۰۰ جزیره صخره ای را در بر دارد. کریستف کلمب در ۱۴۹۲ م آن را کشف و به اسپانیا ملحق کرد. در قرن هفدهم و هجدهم میلادی، بین انگلیس و اسپانیا، جنگ هایی بر سر باهاما روی داد که به تصرف آن ها در سال ۱۷۸۳ م به وسیله انگلیس انجامید.

باهاما، به مدت ۱۹۰ سال، در حمایت انگلیس بود، تا این که در سال ۱۹۷۳ م به استقلال رسید.

۴. جامائیکا و دومینیک

وضعیت این کشورها نیز کمابیش، همانند کوبا، باهاما و هائیتی بود. رقابت استعمارگران اروپایی و ظهور قدرت جدیدی به نام ایالات متحده آمریکا در مجاروت آن ها، شرایط زیر را برای این منطقه فراهم کرد:

۱. کودتاهای بسیار، با تکیه به نفوذ استعمارگران؛

۲. رقابت های فشرده نظامی، به ویژه در دریاهاى منطقه؛

۳. مبارزات مستمر و پی گیر مردم به شکل های گوناگون نظامی و سیاسی.

ب. زمینه های سیاسی اجتماعی افسانه سازی

۱. جنگ سرد

پس از پایان جنگ جهانی دوم و با ظهور دو قدرت بزرگ (آمریکا و شوروی) و تقسیم مناطق مختلف جهان، بین آن دو، زمینه های بروز جنگ سرد و رقابت های مختلف سیاسی- اقتصادی و نظامی بین این دو قدرت، آغاز شد.

هر کدام از این قدرت ها، در پی بسط نفوذ خویش و حفظ آن- به ویژه در مناطق استراتژیک- بودند.

از مناطق بسیار مهم، منطقه مثلث برمودا بود؛ چرا که نزدیک ایالات متحده آمریکا قرار داشت و برای تسلط بر اقیانوس اطلس، دریای کارائیب، آمریکای مرکزی و لاتین منطقه ای بسیار مهم و حساس به شمار می رفت.

سوابق استعماری آمریکا در این منطقه، سبب بروز حرکت های رهایی بخش گسترده ای شد و شوروی نیز- که شرایط را برای حضور در این منطقه مساعد می دید- با پشتیبانی از این حرکت ها، جای پای خود را در منطقه، محکم کرد و در سال های جنگ سرد، کوبا و مثلث برمودا را،

به عنوان یکی از مناطق مهم این مرحله از قرن بیستم، مطرح ساخت.

تحریک مخالفان و ایجاد درگیری های مختلف در منطقه، از دیگر حوادث دهه های ۱۹۵۰-۱۹۷۰ میلادی است.

۲. افسانه سازی های استعمارگران

سال های طولانی حضور استعمارگران در این منطقه و رقابت های موجود بین آن ها و مبارزات و سرکوب ها، زمینه پیدایش افسانه ها و تخیلات را فراهم کرد؛ به طوری که بسیاری از حوادث، به عوامل ناشناخته، نسبت داده می شد.

از دیگر مواردی که باید در این دوره به آن توجه کرد، دزدان دریایی و حمایت رقیبان استعماری از آن ها، برای ضربه زدن به منافع رقیب است. طبیعی است این دزدان دریایی، مایل نبودند از خود نام و نشان به جا بگذارند؛ بلکه فقط در پی اهداف خویش بودند.

مجموعه این عوامل، فضایی ابهام آمیز و ترسناک را بر منطقه حاکم کرد و زمینه شکل گیری افسانه ها و انتساب حوادث به عوامل ناشناخته را آماده نمود.

۳. بررسی مدارک موجود

با بررسی مدارک مربوط به حوادث مثلث برمودا، روشن می شود که ریشه بسیاری از آن ها، فقط در مطبوعات است؛ آن هم مطبوعاتی نامعتبر و

غیرقابل اعتماد که برای جلب مشتری و خواننده، مطلبی را منتشر می کردند.

غیرقابل اعتماد بودن مدارکی، مانند روزنامه ها و مجلات، در این گونه موضوعات، مسأله ای نیست که نیازمند دلیل باشد؛ زیرا اگر کسی به این گونه رسانه ها اعتماد کند، به سرعت با مجهولات و مطالب مبهم فراوان روبه رو خواهد شد؛ از این رو استناد به چنین مدارک و عناوین ناشناخته ای، هیچ مطلب علمی ای را اثبات نمی کند.

۴. مثلث برمودا و آب و هوای آن

مثلث برمودا و کشورها و مناطق واقع شده در آن، از نظر آب و هوا و جریان های دریایی، وضعیت ویژه ای دارند. جریان آب های گرم گلف استریم - که از خلیج مکزیک آغاز شده و تا شمال دریای اطلس ادامه می یابد - یکی از این ویژگی ها است.

این جریان آب گرم - که با فشار زیاد، از خلیج مکزیک به سوی اقیانوس اطلس جریان دارد - شرایط خاصی را در منطقه ایجاد می کند. تلاطم آب دریا، غرش امواج، مه گرفتگی و... از جمله خصوصیات این جریان است.

گلف استریم (Gulf Stream) مهم ترین جریان دریایی است که از خلیج مکزیک بین کوبا و فلوریدا شروع می شود. این جریان، با سرعت پنج کیلومتر در ساعت، حرکت می کند و پهنای آن ۱۴۵ کیلومتر است. ژرفای آن در برخی نقاط، به ۸۰۰

متر می رسد و در هر دقیقه، دو بلیون تن آب را در امتداد سواحل فلوریدا بر روی هم می غلطاند.

گلف استریم، در امتداد ساحل اقیانوس اطلس (در اطراف آمریکا) حرکت می کند، سپس از دماغه کاد (در ماساچوست) گذشته، به طرف مشرق می پیچد، آن گاه عرض اقیانوس اطلس را طی می کند و بر عرض آن افزوده می شود. در آن جا، حرارتی که از نواحی گرمسیر با خود آورده بود، از دست می دهد و به شعبه های زیادی تقسیم می شود؛ یکی از آن ها، سواحل ایسلند را می شوید و دیگری کرانه های انگلستان و نروژ را در می نوردد و آن جا، یخ های قطبی را به عقب می راند. شاخه بزرگی از آن نیز در امتداد سواحل آفریقا، به جنوب می پیچد. (۱)

ویژگی دیگر آن، وزش طوفان های موسمی است که با سرعت بالای یکصد کیلومتر، در این مناطق می وزد. شدت این جریانات، به حدی است که در بسیاری موارد، ایالات شرقی آمریکا را نیز در بر می گیرد و سبب بروز خسارات فراوان، در این منطقه می شود.

۵. نتیجه گیری

از مجموع مطالب گذشته، روشن می شود مثلث برمودا، به دلیل شرایط گوناگون سیاسی، نظامی و جغرافیایی، منطقه ای حادثه خیز است. این دلیل و نیز انگیزه های سیاسی برای مخفی ماندن عوامل

حادثه ساز، باعث شکل گیری افسانه هایی در اذهان مردم و سپس در مطبوعات و رسانه ها شده است.

۶. مناطق خطر خیز دیگر جهان

در برخی نقاط کره زمین نیز جاهایی یافت می شود که خطر خیز هستند و به سبب حوادثی که در آن رخ داده است، شهرتی کسب کرده اند؛ مانند مثلث شیطان در اقیانوس آرام که نزدیک ژاپن قرار دارد و به دلیل حوادث دریایی بسیار در آن، به مثلث شیطان معروف شده است.

۷. ترافیک سنگین هوایی و دریایی منطقه برمودا

جزیره برمودا، سالانه پذیرای صدها هزار جهانگرد است. سایر مناطق واقع در مثلث برمودا نیز از پر ترافیک ترین مناطق دریایی و هوایی جهان به شمار می آید. روزانه، ده ها خط هوایی، به این منطقه پرواز دارند و صدها خط دریایی در این منطقه، به حمل مسافر و بار مشغولند و هیچ توجهی به افسانه های ساخته شده درباره مثلث برمودا ندارند. (۱)

۸. تبلیغات استعماری

استعمارگران و ابرقدرت های جهان- به ویژه آمریکا و رسانه های غربی- هر زمان که سیاستشان اقتضا کند، فضاهایی را ایجاد می کنند که سبب اغفال و وارونه جلوه کردن حقایق است.

درباره برمودا نیز همین پدیده اتفاق افتاده است.

۱- برای اطلاع از خطوط هوایی دریایی برمودا به نشانی زیر در اینترنت مراجعه کنید: www.Bermuda_online.org

نمونه مشهور و زنده این ادعا، تبلیغات فریبکارانه آمریکا درباره «تروریسم» است. مجموعه تبلیغات جهانی درباره تروریسم برای کسی که آن روی سکه را ندیده باشد، تردیدی باقی نمی گذارد که فلسطینیان، حزب الله و...، تروریست هستند و آمریکا و اسرائیل، برابر تروریست ها از خود دفاع می کنند!

تبلیغات جهت دار، درباره مثلث برمودا و حادثه های آن نیز برای برخی افراد بی اطلاع، یا افسانه گرا، چنین تخیلی را پیش آورده که واقعاً در آن جا خیر ویژه ای است؛ برای مثال، همین شرایط، زمینه سوءاستفاده برخی فرصت طلبان را فراهم می ساخت. آنان، با پنهان کردن کشتی های خود، از ناپدید شدن آن خبر می دادند و از شرکت های بیمه، غرامت دریافت می کردند. سپس همان کشتی را با نام دیگر و تغییر برخی ظواهر، در نقطه ای دیگر به ثبت رسانده و دوباره می فروختند، یا از آن بهره برداری می کردند.

۹. گزارش های نظامی

یکی از مستندات داستان سرایان مثلث برمودا، گزارش های نظامی است. این نکته روشن است که مسائل نظامی از اخبار سَرّی به شمار می رود و در بسیاری از موارد، خبرهای ساختگی نظامی، برای ردگم کردن و پوشش دادن به حرکات نظامی، انتشار می یابد.

بنابراین در خبرهای نظامی، این مطلب، باید مورد توجه باشد، به ویژه وقتی سند اخبار، رسانه ها باشد.

وجود ده ها شهر و بندر و تردد هزاران کشتی و قایق و هواپیما به آن منطقه و برگزاری بزرگ ترین مسابقات قایقرانی از سواحل آمریکا تا جزیره برمودا، گواه کاملی است بر این که آنچه در دهه های پنجاه و شصت میلادی در برخی مطبوعات و رسانه های معتبر انتشار یافته، فضا سازی امریکایی ها برای ایجاد تشنج در منطقه و ناامن نشان دادن آن بوده است، تا از یک سو با عملیات مرموزانه، با انقلاب کوبا مقابله کنند و از سویی دیگر، با القای فضای ناامن، زمینه حضور بیشتر خود را در منطقه فراهم سازند.

شبهه این موضوع را زمان جنگ تحمیلی عراق برضد ایران و پس از آن، در منطقه خلیج فارس، مشاهده می کنیم. ناوهای آمریکایی و متحدانش، با تلقین ناامنی، روانه منطقه شده، اهداف خود را دنبال کردند.

خوانندگان و کسانی که مایل به پژوهش در این زمینه هستند، می توانند با استفاده از شبکه جهانی اینترنت و جست و جوی واژه "Bermuda" اطلاعات کاملی از وضعیت کنونی منطقه برمودا و جزایر مختلف آن، به دست آورند.

ج. وضعیت کنونی جزایر برمودا

اشاره

برمودا، مستعمره خودگردان بریتانیایی در اقیانوس اطلس شمالی است. این منطقه، مجمع الجزایر متشکل از هفت جزیره اصلی و ۱۷۰ جزیره کوچک و صخره ای است. این مجموعه، در ۱۰۵۰ کیلومتری کیپ هاتراس (کارولینای شمالی در ایالات متحده) واقع شده است.

این مجمع الجزایر، چهل کیلومتر طول و کم تر از ۱۶۰۰ متر، پهنا دارد. همیلتون، مرکز این مجمع الجزایر است. (۱)

۱. وضعیت اقتصادی

تکیه گاه اصلی اقتصاد برمودا، گردشگری است. گردشگران، با وسائل اقیانوس پیما که در امتداد خیابان اصلی پهلو می گیرند، یا با خطوط هوایی که در هشت مایلی شمال شرق است، به شهر می رسند.

۲. دریانوردی

در این منطقه، دریانوردی با قایق های بادبانی و مسابقات قایق های بادبانی، در نوع های مختلف برگزار می شود:

۱. مسابقه عبور از اقیانوس آرام؛

۲. قایق رانی دور جهان؛

۳. مسابقه برمودا؛

۴. مسابقه جام امریکا.

۱- دایرهالمعارف بریتانیکا، واژه برمودا.

از مهم ترین و عمده ترین مسابقات جهانی، قایقرانی در اقیانوس با قایق های بادی است. این مسابقات، از سال ۱۹۰۶ م آغاز شده است و از سال ۱۹۲۴ م - جز در خلال جنگ دوم جهانی در یک مسیر ۱۱۷۶ کیلومتری، از نیوپورت آمریکا تا برمودا برگزار می شود. بانی این مسابقات، باشگاه دریانوردی آمریکا و باشگاه سلطنتی برمودا است. (۱)

آنچه نقل شد، از منابع معتبر جهانی است، نه برخی مطبوعات عراقی، یا افسانه پرداز غربی. (۲)

از آنچه گفته شد، این نظریه که افسانه های مثلث برمودا، بخشی از یک سناریوی تبلیغاتی برضد نظام های ضد امریکایی منطقه بود، بیشتر آشکار می شود. این افسانه سازی ها، به ویژه در سال های جنگ سرد که انگیزه دو ابر قدرت شرق و غرب برای این گونه حرکت ها، بیشتر بود، اوج داشته است.

۳. موقعیت جزیره خضراء

چنان که پیش از این بیان شد جزیره خضراء در دریای سفید (مدیترانه) است. این وصف، از گذشته های بسیار دور، برای این دریا بوده است و اکنون نیز به همین نام خوانده می شود. دلیل آن نیز رسوبات سفید رنگ بستر دریا است؛ به گونه ای که آب آن، سفید به نظر می رسد. چنانکه دریای سیاه و دریای سرخ نیز به همین دلیل، سیاه و سرخ نامیده شده اند.

۱- همان، سال ۲۰۰۰.

۲- مستند بیشتر خبرها در نوشته های مربوط به برمودا، مطبوعات و روزنامه های معتبر عراقی! و برخی مطبوعات ناشناخته دیگر است.

بنابراین محل جزیره خضراء در داستان جزیره، با سواحل غربی اقیانوس اطلس و جزایر برمودا و امثال آن ارتباطی ندارد.

۴. خدشه بر چهره مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

گذشته از اشکالات گوناگون داستان جزیره خضراء، تطبیق آن بر مثلث برمودا، علاوه بر آن که ترسیمی نادرست و غیر معتبر است، چهره موضوع مهدویت را نیز مخدوش می سازد.

آنچه در داستان جزیره خضراء آمده، آن است که کشتی های دشمنان غرق می شود؛ و این که تعداد زیادی هواپیما و کشتی - آن هم بدون آنکه خصومتی داشته باشند - به قعر دریا فرستاده، یا از صحنه روزگار محو می شوند.

چنین تصویری، با رسالت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سیره آن حضرت و پدران گرامی اش، تضاد کامل دارد؛ چه اینکه غرق و نابود کردن اموال کسانی که خصومتی با آن حضرت ندارند، کاری نیست که در شأن پیشوایان معصوم علیه السلام باشد.

۵. بنای برباد و افترا بر خداوند

از جمله گناهان بسیار بزرگ، نسبت دادن دروغ، و افترا به خداوند و اولیای او است. قرآن مجید در موارد بسیاری، این حقیقت را بیان فرموده است:

و من اظلم ممن افتری علی الله کذباً؛

چه کسی ستمکارتر است از کسی که به خداوند دروغ ببندد؟

اساس داستان جزیره خضراء، چیزی نیست که بتوان آن را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داد و طبق موازین شناخته شده، به هیچ وجه قابل اعتماد و استفاده نیست.

با وجود این همه ضعف و کاستی، متأسفانه برخی افراد ساده لوح و سطحی نگر، نه تنها به این نکته توجه ندارند؛ بلکه با تطبیقی بی جا و نامعقول، چهره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مخدوش نموده، آن را به گونه ای ترسیم می کنند که هیچ نسبتی با شخصیت آن حضرت و پدران گرامی اش ندارد.

درباره جزیره خضراء و تطبیق نادرست آن بر «برمودا» باید گفت:

یکم. اصل داستان، غیر قابل قبول است؛

دوم. جزیره خضراء، در دریای مدیترانه است، نه اقیانوس اطلس؛

سوم. وقایع مثلث برمودا، ساخته رسانه های غربی و افسانه سازان است؛

چهارم. بر فرض که افسانه های برمودا صحیح باشد، هیچ ربطی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقام آن حضرت ندارد.

ص: ۶۳

بخش سوم

اشاره

داستان دوم جزیره خضرا

محدّث نوری، در حکایت سوم کتاب جَنّ المأوی، می گوید:

در آخر کتاب التعازی، تألیف شریف زاهد، ابی عبدالله محمّد بن علی بن الحسن بن عبدالرحمان العلوی الحسینی رضی الله عنه به نقل از عالم حافظ حجهالاسلام سعید بن احمد بن الرضی از شیخ مقرئ خطیر الدین حمزه بن المسیب بن الحارث، آمده است که:

او (سعید بن احمد) می گوید: در خانه من، در محله ظفریّه در مدینه السلام در هجدهم شعبان سال ۵۴۴ ق، خطیرالدین، برای من حکایت کرد که استادم، ابن ابی القاسم عثمان بن عبدالباقی بن احمد الدمشقی در هفدهم جمادی الآخری سال ۵۴۳ ق گفت:

استادم کمال الدین احمد بن محمد بن یحیی الانباری در خانه خود در مدینه السلام در شب دهم رمضان سال ۵۴۳ ق، چنین نقل کرد:

در ماه رمضان سال ۵۴۳ ق، نزد وزیر، عون الدین یحیی بن هبیره بودیم. عده ای دیگر نیز نزد او بودند. وقتی افطار کردند و متفرق شدند، وزیر به ما دستور داد بمانیم. مردی نیز آن شب، در مجلس حضور داشت که ما او را نمی شناختیم و قبلاً ندیده بودیم. وزیر، بسیار به او احترام می گذاشت و به سخن او گوش می داد و به دیگران توجهی نداشت.

سخن به درازا کشید، تا آنکه دیر وقت شد و ما خواستیم بازگردیم، ولی بارش باران مانع شد و ما نزد وزیر ماندیم.

سخن درباره ادیان و مذاهب پیش آمد و به اسلام و مذاهب گوناگون آن منتهی شد. وزیر گفت: «کم ترین طایفه، مذهب شیعه اند. در منطقه ما، ممکن نیست که اکثریت با شیعه باشد». وزیر، در مذمت شیعه، سخن گفت و خدا را بر این که آنان در دورترین نقاط نیز کشته می شوند، سپاس گفت.

در این هنگام، شخصی که وزیر، بسیار به او توجه داشت، به وزیر رو کرد و گفت: «برای شما سخنی بگویم درباره آنچه بحث می کردید یا آنکه

لب فرو بندم؟» وزیر ساکت شد و سپس گفت: «بگو آنچه داری!»

مرد ناشناس گفت: «با پدرم در سال ۵۲۲، از شهر باهیه حرکت کردیم. محل ما، روستاهایی دارد که تاجران، آن را می شناسند و ۱۲۰۰ پارچه آبادی است و در هر آبادی، عدّه زیادی سکونت دارند. آنان، همگی، مسیحی هستند و حتی جزایری که اطراف آنان است، همه، مسیحی اند. بزرگی سرزمین آنان، دو ماه راه است و میان آنان و خشکی، بیست روز فاصله است و همه کسانی که در خشکی هستند نیز مسیحی اند.

سرزمین ما، به حبشه و نوبه متصل می شود و آنان نیز، همگی مسیحی اند.

سرزمین ما به سرزمین بربرها نیز متصل است و آنان، بر دین خودشان هستند... من، روم و افرنج را اضافه نمی کنم (یعنی، آنان نیز مسیحی اند).

از شما پنهان نیست که شام و عراق نیز مسیحی دارد.

چنین پیش آمد که ما، در دریا سفر می کردیم و برای تجارت و کسب سود، به هر سو می رانندیم، تا آن که به جزیره های بزرگ پر درختی که دیوارهای زیبا و باغات و روستاهای فراوان داشت، رسیدیم.

نخستین شهری که رسیدیم و لنگر انداختیم، از ناخدا پرسیدیم: «این جزیره چیست؟» گفت: «من، تا کنون، به این جزیره نیامده ام و آن را نمی شناسم».

پیاده شدیم و به خیابان های آن شهر رفتیم. نام شهر را پرسیدیم. گفتند: «مبارکه است». گفتیم: «نام حاکم چیست؟» گفتند: «طاهر». گفتیم: «پایتخت آن کجا است؟» گفتند: «زاهره». پرسیدیم: «زاهره کجا است؟» گفتند: «فاصله ده شب از راه دریا است و بیست و پنج روز از خشکی. مردم آن سامان، همگی مسلمانند».

گفتیم: «چه کسی زکات مال (مالیات) ما را می گیرد تا شروع در داد و ستد کنیم؟» گفتند: «نزد نایب سلطان بروید». گفتیم: «اعوان او کجا هستند؟» گفتند: «او دار و دسته ندارد. او، در خانه خود زندگی می کند و همه نزد او می روند».

تعجب کردیم و به خانه او راهنمایی شدیم. مرد صالحی را دیدیم که عبایی بر دوش دارد و عبایی نیز فرش او است و دوات هم در پیش روی او قرار دارد و مشغول نوشتن است. سلام کردیم. گفت: «از کجا می آید؟» گفتیم: «از فلان سرزمین». گفت: «همه شما؟» گفتیم: «نه؛ در میان ما، مسلمان، یهودی و نصرانی است». نایب گفت:

«یهودی و نصرانی، جزیه بدهند؛ ولی با مسلمان بایستی درباره مذهبش سخن بگوییم».

از یهودیان و نصرانیان، جزیه گرفتند؛ ولی به مسلمانان گفتند مذهبشان را بگویید. وقتی آنان مذهب خود را گفتند، نایب گفت: «شما، مسلمان نیستید و اموال شما مصادره می شود. کسی که به خدا و پیامبر و وصی او و امام زمان، ایمان نداشته باشد، مسلمان نیست».

وقتی ما، همسفران خود را در خطر دیدیم، گفتیم: «اگر اجازه بفرمایید، ما نزد سلطان برویم». او پاسخ مثبت داد.

به ناخدا گفتیم: «ما می خواهیم به زاهره برویم، تا بلکه دوستان خود را نجات دهیم»؛ ولی ناخدا گفت: «من، راه را بلد نیستم».

از شهر مبارکه، راهنمایی استفاده کردیم و سیزده روز و شب، طی مسیر کردیم، تا آن که قبل از طلوع فجر، راهنما تکبیر گفت و افزود: «این، مناره های زاهره است».

صبح، به شهر زیبایی وارد شدیم که زیباتر از آن، چشم ما ندیده است؛ هوای لطیف و آب شیرین؛ شهری را دیدیم که بر روی کوهی از سنگ سفید بنا شده بود؛ گرد آن، دیواری تا دریا کشیده

بودند؛ نهرها، در شهرها و محله هایش جاری بود؛ گرگ و گوسفند، کنار هم بودند؛ بازارهای بزرگ، ارزاق فراوان و رفت و آمد از دریا و خشکی، از ویژگی های آن شهر بود. وقتی صدای مؤذن بلند می شد، همه به مسجد می شتافتند.

بالاخره، به حضور سلطان رسیدیم. سلطان، در باغی بود که قبه ای در میان آن قرار داشت. در این هنگام، اذان گفته شد و باغ، پر از نمازگزاران شد.

مردم، او را پسر صاحب الأمر می نامیدند. به ما خیر مقدم گفت و پرسید: «تاجر هستی یا میهمان؟» گفتیم: «تاجر». گفت: «کدام یک مسلمانید و کدام اهل کتاب؟» و پرسید: «مسلمانان، پیرو کدام مذهبند؟».

شخصی به نام دربهان بن احمد اهوازی با ما بود. گفت: «من، شافعی ام و بقیه مسلمانان همراه ما نیز شافعی اند؛ مگر حسان بن غیث که او مالکی است».

سلطان، رو به آنان کرد و گفت: «آیا غیر از اهل بیت، کسی از اهل کسا بوده است؟ آیه تطهیر، در شأن چه کسانی است؟».

دربهان، کلام سلطان را قطع کرد و گفت: «ای پسر صاحب الامر! آیا می توانید نسب خود را بیان کنید؟»

سلطان گفت: «من، طاهر، پسر محمّد بن الحسن بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی هستم».

مرد شافعی، غش کرد. پس از به هوش آمدن، به سلطان ایمان آورد.

ما، هشت روز میهمان او بودیم و یک سال نیز نزد مردم آن شهر میهمان شدیم. در این مدّت، دریافتیم که این شهر [و توابع آن] مسیر دو ماه در خشکی و دریا است و پس از آن، شهری است به نام رائقه که سلطان آن، قاسم بن صاحب الامر است. و سپس صافیه است که سلطان آن، ابراهیم بن صاحب الامر است و سپس مظلوم است که سلطان عبدالرحمان بن صاحب الأمر است و سپس عنایس است که سلطان آن، هاشم بن صاحب الامر است.

در همه این دیار، جز مؤمن شیعه یافت نمی شود و جمعیت آنان، به حدی است که اگر همه دنیا جمع شوند، تعداد آنان، فزون تر است.

ما، یک سال نزد آنان بودیم و منتظر ورود صاحب الامر شدیم؛ چون، معتقد بودند که آن سال، سال آمدن او به زاهره است؛ ولی ما موفق نشدیم.

ابن دربهان و حسان، در آن شهر ماندند، تا او را زیارت کنند.

وقتی عون الدین وزیر این داستان را شنید، برخاست و وارد اطاقی شد و یک یک ما را احضار کرد و گفت: «مبادا این داستان را بازگو کنید». ما نیز این داستان را تا پس از مرگ او بازگو نکردیم.

الف. بررسی سند داستان

۱. بررسی کتاب تعازی

نویسنده کتاب، شریف زاهد ابی عبدالله محمد بن علی بن الحسن بن عبدالرحمان العلوی الحسینی است.

نسخه ای از این کتاب، در خزانه رضوی علیه السلام بوده و محدّث نوری، آن را استنساخ کرده است.

این کتاب را، شریف ابو عبدالله محمد بن علی بن الحسن بن عبدالرحمان، در سال ۴۴۳ ق، برای ابوالحسین زید بن ناصر الحسینی روایت کرده است؛^(۱) بنابراین، تألیف کتاب، در نیمه نخست قرن پنجم بوده است.

مؤلف کتاب، معاصر سید رضی^۲، بوده است. صاحب الذریعه می نویسد:

نسخه مطبوع تاریخ بغداد، روایت صاحب کتاب التعازی است و مشایخ او در این نقل، ابی اسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد معدل طبری است

۱- الذریعه، ج ۴، ص ۲۰۵.

که شریف رضی نیز قرآن را نزد او قرائت کرده است. (۱)

نتیجه این که کتاب تعازی در قرن پنجم (سال ۴۴۳ ق) روایت شده؛ ولی داستانی که در پایان کتاب آمده، مربوط به سال ۵۴۳ است؛ یعنی، یک صد سال، میان تألیف کتاب و داستانی که در آن نقل شده، فاصله است.

مسلم است این داستان را استنساخ کنندگان، در پایان کتاب آورده اند و هیچ ارتباطی به متن کتاب ندارد.

ممکن است تصوّر شود تاریخ نقل داستان، اشتباه است و داستان در ۴۴۳ نقل شده؛ ولی به اشتباه ۵۴۳ نوشته شده است.

این سخن، به دلایل زیر، مردود است.

۱. تاریخ ها، با حروف نوشته شده اند، نه اعداد، و چنین خطای فاحشی در نوشتار، بسیار بعید است.

۲. راوی اصلی داستان، «انباری» در سال ۴۴۳، نه تنها به دنیا نیامده بوده؛ بلکه چه بسا والدین او نیز هنوز به دنیا نیامده بودند.

۳. ابن هبیره که نام کامل او یحیی بن محمد ابوالمظفر و وزیر چند خلیفه عباسی بوده و این داستان، در حضور او اتفاق افتاده، متولد ۴۹۰ ق و متوفای ۵۶۰ ق است. (۲) وی، در سال ۵۴۴ ق، به وزارت مقتضی الأمر الله رسید. (۳)

۱- الذریعه، ج ۴، ص ۲۰۵.

۲- الکامل کامل، ج ۱۱، ص ۳۲۱.

۳- الکامل کامل، ج ۵، ص ۱۴۶.

۲. بررسی سند داستان

۱. با توجه به آنچه که درباره کتاب التعازی گفته شد، داستان مزبور، فاقد هر گونه استناد است؛ چرا که صاحب التعازی، آن را نقل نکرده؛ بلکه استنساخ کننده ای نامعلوم، آن را در پایان کتاب افزوده است که معلوم نیست این خبر را از کجا و چه کسی شنیده است و آیا انتساب آن به اشخاص مذکور در سند، صحّت دارد یا ندارد؟

۲. با چشم پوشی از اشکال بالا، اشخاص مذکور در سلسله سند داستان، شناخته شده نیستند و در کتاب های تراجم و رجال شیعه، ذکری از آنان به میان نیامده است.

تنها شخصی که شناخته شده و در کتب تراجم عامه، نامش آمده، کمال الدین انباری است.

کمال الدین ابوالبرکات عبدالرحمان بن محمد بن ابی الوفا (۵۱۳-۵۷۷ ق) از اوان کودکی، به بغداد رفت و پس از تکمیل ادب، در نظامیه بغداد مشغول فعالیت شد. او، تألیفاتی، مانند اسرار العریبه، نزهه الأدباء، تاریخ أنبار،... دارد.

۳. شخصی که در مجلس ابن هبیره ناقل خبر بوده، نه تنها مجهول است؛ بلکه مسیحی بوده و با دیدن آن همه نشانه ها، باز بر عقیده خود باقی بوده است. حال چگونه می توان بر خبر چنین شخصی از اهل کتاب، اعتماد کرد؟ آیا می توان برای اعتقاد

به صحت چنین وقایعی، بر خبری که از هر جهت مجهول است، اعتماد کرد؟

ب. بررسی محتوا و تاریخ داستان

اشاره

زمینه های اجتماعی و روانی، از مهم ترین عوامل شکل گیری داستان ها است. سال های میانی قرن ششم (۵۴۳ ق) ویژگی هایی دارد که توجه به آن ها، بسیاری از نقاط مبهم را روشن می کند.

۱. میان خلافت عباسی و خلفای فاطمی و حکومت موحدان، در سرزمین های مغرب اسلامی و اندلس، رقابت شدیدی بود.

پس از انقراض فاطمیان مصر (۵۶۷ ق) مرابطان و نیز موحدان، نهضت بزرگی را در مغرب و اندلس به راه انداختند.

فاطمیان و نیز موحدان، گرایش شیعی داشتند و محمد بن تومرت که بنیانگذار حکومت موحدان است (۵۱۷ ق)، خود را از اهل بیت: می دانست و به صراحت، خود را مهدی موعود می نامید. (۱)

از دغدغه های مهم دربار خلافت عباسی، رشد نهضت های شیعی و حرکت های متأثر از آن بود؛ از همین رو، حرکت عظیم موحدان، برای عباسیان، نگرانی جدی فراهم ساخته بود.

ابن اثیر گوید:

وقتی خیر سقوط حکومت فاطمی به بغداد رسید (۵۶۷ ق)، چند روز جشن برقرار شد و شادی بی اندازه ای صورت گرفت. (۲)

۱- تاریخ الاسلام، ص ۳۰۰.

۲- الکامل کامل، ج ۱۱، ص ۳۷۱.

در متن داستان مورد بحث نیز می بینیم ابن هبیره چگونه اصرار دارد این خبر منتشر نشود و کسی آن را باز گو نکند؛ چرا که خبر از یک دولت شیعی و حکومت مقتدر آن، خوشایند دربار عباسی نبود. نکته قابل توجه، آنکه صاحب الأمر لقبی بود که به ابن تومرت داده می شد.

ابن خلدون می نویسد:

مهدی [ابن تومرت] به نام امیرالمؤمنین خوانده می شد و وی، «صاحب الامر» بود.^(۱)

در داستان مورد بحث نیز، روی همین عنوان، تکیه می شود و این که فرزندان صاحب الأمر، در شهرهای مختلف بلاد مغرب، حکومت داشتند.

عبدالمؤمن که جانشین ابن تومرت بوده نیز به همین لقب خوانده می شده است. فرزندان او، در آن سال ها، در اندلس و جزایر پیرامون آن حکومت می کردند.

ابن اثیر گوید:

در این سال (۵۵۱ ق) عبدالمؤمن، فرزندان خود را بر بلاد مختلف به حکومت گماشت، ابا سعید را بر سبته و جزیره خضراء حاکم کرد....^(۲)

داستان هایی مانند داستان علی بن فاضل که در سال ۶۹۹، آن را نقل کرده است و داستان دوم که از شخصی مجهول در ۵۴۳ بازگو می شود و

۱- ترجمه مقدمه ابن خلدون، ص ۴۴۱.

۲- الکامل کامل، ج ۱۱، ص ۲۱۱.

یکصدسال با هم فاصله دارند، هر دو، گویای یک حقیقت اند.

خبرهای سانسور شده از سوی حکومت عباسی و خواسته های سرکوب شده شیعیان و سعی در کم جلوه دادن آنان، زمینه را برای ابراز حقایق به صورت داستان هایی بهت انگیز، فراهم کرده است.

آن گاه اشخاصی که بیشتر ناقل اخبار بودند تا ناقد آنها و بصیر به شرایط و احوال، آن اخبار را در کتاب های خود گردآوردند و خود نیز به مستند نبودن آن ها اقرار داشتند؛ ولی آن داستان ها، مستمسک برخی ساده لوحان برای ادعاهای بی اساس شد.

۱. فشار بر شیعه در قرن پنجم و ششم هجری

فشارهای حکومت عباسی بر شیعه، در طول حکومت آنان وجود داشته؛ ولی در قرن پنجم و ششم و پس از رسمی شدن چهار مذهب فقهی عامه و گسترش حکومت های شیعه در نقاط مختلف، فشار دستگام خلافت عباسی، بر شیعیان فزونی یافت؛ به گونه ای که افراد، مذهب واقعی خود را پنهان می کردند و انواع سانسور در جامعه اعمال می شد.

درباره علی بن حمدان (م ۵۴۶ق) نوشته اند:

وی، از دانشمندان زمان خود بود و در دیوان محاسبات عباسیان سمت داشت. دارای کرسی

تدریس بود و از خلیفه نیز لقب کافی الکفاه دریافت کرد؛ ولی خلیفه، بر برخی از نوشته های او که نشان می داد او شیعه است، دست یافت و از همین رو، او را از کار برکنار و به زندان افکند، تا این که در زندان از دنیا رفت. (۱)

ظهور و گسترش تشیع در سراسر خاورمیانه، طی سده های نهم و دهم میلادی، روح مبارزه با تسنن را برانگیخت. حکومت های شیعی، یکی پس از دیگری، به قدرت می رسیدند. آل بویه، حمدانیان، قرامطه، فاطمیان اسماعیلی، آفریقای شمالی تا خراسان و افغانستان و ماوراءالنهر را در سیطره خود داشتند. بغداد، در سده های دهم و یازدهم میلادی، کانون اختلاف و مبارزه بین سنی مذهب و شیعه شده بود (۴۲۳-۳۸۱ق). (۲)

۲. دارالسلام و محله ظفریه

دارالسلام، محله ای در بغداد و محل سکونت افراد حکومتی و کارگزاران دولت عباسی بوده است. لاپیروس می نویسد:

بغداد نیز هم چون پایتخت های قبلی، از یک مرکز محدود نظامی و حکومتی، به یک شهر بزرگ گسترش یافت. خلافت عباسی، در پی این تصمیم که یک مرکز اداری به نام مدینهالسلام احداث کند، دو محله مسکونی بزرگ در حومه بغداد بنا کرد: یکی به نام حربیه و دیگری کرخ. (۳)

۱- مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۶۳؛ الکامل، ج ۱۱، ص ۵۶۲.

۲- لاپیروس، تاریخ جوامع اسلامی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۳- لاپیروس، تاریخ جوامع اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۸.

ابن اثیر، ظفریّه را از محله های بغداد معرفی می کند. او، درباره وقایع سال (۵۵۴ق) می گوید:

در این سال، آب دجله، به قدری زیاد شد که بعضی از محلات بغداد در آب غرق شد؛ از جمله قسمتی از ظفریّه را نیز آب فرا گرفت. (۱)

غرض از توضیح مفردات این داستان، تصویر شرایطی است که قصّه، در آن نقل شده و وزیر عباسی، دستور کتمان آن را صادر کرده است.

۳. کرامت یا کشف و شهود

برخی از کسانی که به جای پیگیری معارف قطعی اسلام و منابع نورانی آن، در پی داستان های بی سند، ولی پر از هیاهو هستند، سعی کرده اند داستان اوّل و دوم جزیره خضراء و قصّه هایی دیگر را کنار هم قرار داده، آن ها را مکاشفات و توفیقاتی که برای برخی افراد رخ داده است، مطرح کنند. این افراد، باید به این پرسش های مهم و ابهام ها پاسخ دهند:

۴. چه کسانی توفیق زیارت جزایر را داشته اند؟

در داستان دوم جزیره خضراء، یک تاجر مسیحی و تعدادی یهودی و مسیحی و برخی از اهل سنّت، به این افتخار نائل می شوند که به جزایر فرزندان امام زمان علیه السلام سفر کنند و مدّتی طولانی نیز در آن محل سکونت کنند.

چگونه است که صدها مسلمان شیعه و عالم پرهیزگار و عاشق اهل بیت، چنین توفیقی

نیافته اند؛ ولی چند نفر مسیحی و یهودی به این توفیق می رسند و بر دین خود نیز باقی می مانند؟

۵. شهرهای ناشناخته

مرد مسیحی، مدّعی است از شهر باهیه است و تجار آن را می شناسند و هزار و دویست پارچه آبادی است. این، چه شهری است که در منابع جغرافیایی قدیم، مانند معجم البلدان و تواریخ معتبر، از آن، نامی به میان نیامده است؟ با توجه به این که یاقوت حموی حتّی نام روستاها را ذکر می کند و سرزمین های غرب و اطراف مدیترانه برای آنان، کاملاً شناخته شده بوده است.

۶. تناقض داستان ها

کسانی که به این گونه اخبار استناد و گاه استدلال می کنند، باید به این پرسش نیز پاسخ دهند که به چه دلیل در داستان نخست جزیره خضراء (داستان ۰ علی بن فاضل) می خوانیم: «آب های سفید، از هر طرف، جزیره را احاطه کرده است و کشتی های دشمنان ما در این آب ها غرق می شوند»؛ ولی در داستان دوم، با آن که به چند جزیره سفر می کنند هیچ خبری از آب های سفید و وضعیّت غیر عادی نیست؟.

۷. احکام ناشناخته

در داستان دوم، کسی که مدّعی است فرزند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از یهود و نصارا، جزیه می گیرد؛

ولی اموال اهل سنت را مصادره می کند. این حکم با کدام سیره و سنت مطابق است؟

ممکن است کسی بگوید: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرزندان آن حضرت، بر اساس احکام واقعی حکم می کنند؛ از همین رو، پس از ظهور خواهند گفت او، دین جدیدی آورده است.

پاسخ این سخن آن است که اولاً، با ظهور حضرت، احکام الهی، آن گونه که تشریح شده است، بیان خواهد شد و قضاوت بر اساس واقعیت صورت خواهد گرفت، نه ظواهر؛ ولی این موضوع، پس از ظهور است نه در زمان غیبت. ثانیاً، حرمت اموال مسلمان با اظهار شهادتین، سیره و سنت قطعی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه: است و قابل نقض نیست.

نتیجه مباحث گذشته

۱. هر دو داستان جزیره خضراء، از نظر سند، قابل اعتنا نیستند.

۲. مطالب مطرح شده در این داستان ها، اشکالات و تناقضات بسیاری دارد.

۳. این داستان ها، بازتاب حوادث زمان نقل آن ها است و با آن چه در عرصه تاریخ و جغرافیای آن زمان می گذشته، مرتبط است.

۴. حکومت های بسیاری در بلاد مغرب و جزایر دریای مدیترانه و سواحل آن، در آن زمان وجود داشته اند که خود را از اعقاب ائمه: می شمردند

و برخی از آنان خود را فرزندان صاحب الامر می دانستند.

۵. ابن تومرت در بلاد مغرب، مدّعی شد امام زمان و مهدی موعود است و حکومت مقتدری نیز تشکیل داد که به نام حکومت موخّدان در تاریخ شناخته می شود. عبدالمؤمن نیز که با همین القاب و عناوین حکومت می کرد، با اقتدار در بخش های مهمی از سرزمین های مغرب حکومت کرد و فرزندان خود را در جزایر و مناطق مختلف، به حاکمیت گماشت.

۶. افکار و آرمان های سرکوب شده شیعیان در دوران عباسی، زمینه بروز آن ها را به صورت آفرینش داستان، فراهم آورد.

۷. فشارهای متعدّد اجتماعی، سیاسی و عقیدتی که بر شیعه وارد می شد، آنان را وا می داشت به آواهایی که از حکومت های شیعی (از نوع اسماعیلی و موخّدان و...)، دل ببندند و آرمان های سرکوب شده خود را در آن جا بیابند.

۸. سزاوار نیست در موضوع امام زمان علیه السلام که از عقاید حتمی و مشترک همه مسلمانان است، با اتکا به خبرهای غیر موثّق و حدسیات ساخته اذهان، سخن گفت و قلم زد؛ چرا که از مصادیق افترای بر ائمه: است که از خطاهای بزرگ و گناهان کبیره به شمار می رود.

۹. در آراء و عقاید، مواردی یافت می شود که علم آن را باید به خدا و رسول وا گذاشت و بدون

علم و اطلاع و طئی مقدمات لازم، در آن باره سخن نگفت. موضوع فرزندان امام زمان علیه السلام و این که آن حضرت ازدواج کرده و دارای فرزند است، یا نه و آنان چگونه زندگی می کنند، از همین موارد است. بهتر است علم آن را به خدا واگذاریم و بی سبب، افکار و عقاید دیگران را با مطالب نامستند و نامعقول، آشفته نکنیم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

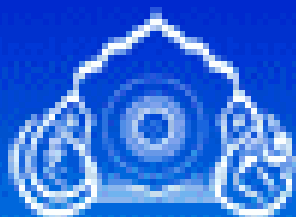
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

